

راه طولانی فرارو؛
تطبیق قانون منع خشونت علیه زن
در افغانستان



کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر



هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان

کابل - افغانستان
قوس ۱۳۹۰

فهرست موضوعات

۱	اختصارات و واژه نامه
II	مأموریت هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان
III	روش تحقیق
۱	۱- خلاصه گزارش
۶	پیشنهادات کلیدی
۸	۲. زمینه
۸	۱.۲- تصویب قانون منع خشونت علیه زن
۱۰	۲.۲- ضعف های موجود در قانون منع خشونت علیه زن
۱۱	تطبیق احکام مشخص
۱۳	۳. یافته ها پیرامون تطبیق قانون منع خشونت علیه زن
۱۳	۱.۳- تعقیب عدلی قضایای خشونت علیه زنان
۱۶	۲.۳- تطبیق قانون منع خشونت توسط خانونالی ها
۱۷	ولایت هرات: استفاده روز افزون از قانون منع خشونت علیه زن
۱۹	خانونالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان
۲۲	۳.۳- تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط محاکم
۲۴	ستره محکمه
۲۷	۴.۳- تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط پولیس در افغانستان
۲۷	واحد پاسخ دهی به خشونتهای خانوادگی
۳۲	۵.۳- استفاده از میانجیگری و میکانیزمهای سنتی حل و فصل منازعات در قضایای خشونت علیه زنان
۳۷	نگرانیها درباره ای اتکاء به میانجیگری جهت حل و فصل قضایای خشونت علیه زنان ...
۳۹	میکانیزم های عرفی حل و فصل منازعات
۴۰	۴. کمیسیون های منع خشونت علیه زنان
۴۰	۱.۴- کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان
۴۱	۲.۴- کمیسیونهای ولایتی
۴۵	۵. نتیجه گیری

٤٦.....	٦. پیشنهادات
٥٠.....	قانون منع خشونت علیه زن

اختصارات و واژه نامه

کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	CEDAW
ریاست تحقیقات جنائی	CID
سازمان بین المللی انکشاف حقوقی	IDLO
پروگرام حمایت سکتور عدلی افغانستان	JSSP
پلان کاری ملی برای زنان افغانستان	NAPWA
دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر	OHCHR
هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان	UNAMA
اداره ملل متحد برای زنان	UN Women
وزارت امور زنان	MoWA
ریاست امور زنان	DoWA
ماموریت پولیس اتحادیه اروپا برای افغانستان	EUPOL
قانون منع خشونت علیه زن	EVAW Law
واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی	FRU
صندوق جمعیت ملل متحد	UNFPA

اصطلاحات دری، پشتو و عربی

دادن یک زن (برای ازدواج) بخاطر تلافی قتل یا دیگر جرایم	بد دادن
جرایم قابل مجازات الی سه ماه حبس	قباحت
گردهمایی متنفذین راجع به یک موضوع مهم	جرگه
شوهر و زن به یکدیگر و یا اقارب نزدیک دیگری که ازدواج با آنها ممنوع می باشد	محرم
سند الزام آور	تعهد نامه
ساختار استخدام کارکنان در یک اداره	تشکیل
محققین یا دانشمندان دینی	علماء
مقاربت جنسی خارج از رابطه زوجیت	زنا

ماموریت هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان

این گزارش با هدف پیشبرد ماموریت دفتر هیئت معاونت ملل متحد برای افغانستان (یوناما) مبتنی بر قطعنامه ۱۹۷۴ سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) شورای امنیت سازمان ملل متحد تهیه شده است: "در تحقق آزادی های اساسی و موازین حقوق بشر مندرج در قانون اساسی افغانستان و معاهدات بین المللی که افغانستان به عنوان یک جانب در آن معاهدات میباشد، بخصوص معاهدات مرتبط به برخوردای کامل زنان از حقوق بشری شان، با دولت افغانستان همکاری نماید".

پاگراف ۳۷ قطع نامه شماره ۱۹۷۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد از تعهد دولت افغانستان در برابر "ایجاد یک استراتژی جهت تطبیق قانون منع خشونت علیه زن بشمول ارائه خدمات به قربانیان" استقبال می نماید.

یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در مشارکت با دولت افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و نهاد های جامعه مدنی، بخصوص با گروه های جامعه مدنی زنان، یک سلسله فعالیت ها را با هدف ترویج و حفاظت از حقوق زنان برای زندگی عاری از خشونت و تبعیض انجام میدهد.

بخش حقوق بشر دفتر یوناما از دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در افغانستان نیز نمایندگی میکند و مورد حمایت آن قرار دارد. این بخش راجع به فعالیت های خود سالانه گزارشی را از طریق کمیشنر عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ارسال می کند.

روش تحقیق

این گزارش مبتنی بر یافته‌های تحقیقات می‌باشد که از اول سال ۱۳۸۹ الی ۱۰ سنبله ۱۳۹۰ (مارچ ۲۰۱۰ الی سپتامبر ۲۰۱۱) توسط کارمندان بخش حقوق بشر یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در دفتر مرکزی و در هشت دفتر ساحوی این سازمان اجراء شده است. کارمندان این سازمان آمارو ارقام مفصل را در مورد تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارتوانان، قضات و افسران پولیس و همچنین در مورد وضعیت عملکرد کمسیون‌های ولایتی منع خشونت علیه زنان جمع آوری نموده است. به این منظور کارمندان این بخش بیش از ۲۶۱ مصاحبه را در ۳۳ ولایت کشور منجمله با ۶۷ خارتوان، ۵۲ افسر پولیس، ۴۳ قاضی، ۴۵ کارمند وزارت امور زنان و ریاست‌های امور زنان و همچنین ۱۷ مصاحبه با کارمندان کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان انجام داده‌اند.^۱ مصاحبه‌ها با بررسی جداگانه ای قضایای خشونت علیه زنان در دوره مذکور (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱) و همچنین مطالعه گزارش‌ها و اسناد مرتبط موسسات دولتی و غیردولتی و نمایندگی‌های ملل متحد، انکشاف یافته است.

این گزارش چگونگی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط دولت در طی اولین سال کامل دوره تطبیق این قانون (۱۳۸۹) را در محور توجه خود قرار داده است. علاوه بر آن این گزارش شامل یک سری تحقیقات کلی در شش ماه اول سا ۱۳۹۰ نیز می‌شود. افغانستان در تمام اسناد رسمی خویش تاریخ هجری-شمسی را به کار میبرد.

این گزارش حاوی اطلاعات آماری در مورد چگونگی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط مسئولین قضایی در مرکز^۲ ولایت از جمله ای ۳۴ ولایت افغانستان در سال ۱۳۸۹ می‌باشد. در تهیه این گزارش از اطلاعاتی که پولیس، خارتوانی‌ها و همچنین محاکم شهری با دفتر یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر شریک نمودند استفاده شده‌اند، هرچند تمامی مسئولین بطور منظم اطلاعات را ثبت ننموده و یا آماده تشریک چنین اطلاعات با یوناما نبودند. باید گفت که در این گزارش اجراءات محاکم و خارتوانی‌های ولسوالی‌ها و همچنین محاکم استیناف و ستره محکمه، بجز موارد کلی، درج نگردیده است.

^۱ یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر نتوانست با مقامات در ولایت هلمند به دلیل محدودیت‌های دست‌رسی مصاحبه نماید، با آن هم یک سری معلومات از هلمند با همکاری تیم بازسازی ولایتی حاصل شد.

^۲ هر ولایت افغانستان یک حوزه قضایی در مرکز ولایت دارد که معمولاً یک محکمه شهری و خارتوانی شهری در آن فعالیت می‌کنند و هم‌منظور به تعداد ولسوالی‌ها یک محکمه و خارتوانی دارد. به علت محدودیت‌های دسترسی؛ اطلاعات جمع‌آوری شده از ولایات لوگر، نورستان و میدان وردک نامکمل می‌باشد. بعضی اطلاعات در رابطه به ولایت نورستان براساس مصاحبه‌هایی با مسئولین آن ولایت که در جلال‌آباد مستقر اند، جمع‌آوری شده است. پولیس و محاکم در چند ولایت از تشریک اطلاعات با یوناما خود داری نمودند.

این گزارش قضایای خشونت علیه زنان را که به نهادهای مختلف به شمول پولیس ملی، وزارت امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارش شده است، نیز یاد آور می‌شود. این گزارش هیچ اظهاری در مورد اینکه آیا میزان خشونت علیه زنان در افغانستان در حال افزایش و یا کاهش است، ندارد. وزارت امور زنان پس از ایجاد یک بانک اطلاعاتی به جمع آوری اطلاعات در مورد قضایای خشونت علیه زنان در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) اقدام نمود که در نهایت توسعه و بهبود این بانک اطلاعاتی میتواند ارایه یک تصویر واضح از کل قضایای خشونت علیه زنان در افغانستان را ممکن سازد.^۳ یوناما، اداره ملل متحد برای زنان (UN-Women)، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، وزارت امور داخله و شبکه زنان افغان همه از تلاش‌ها برای تقویت سیستم ثبت و ردیابی خشونت علیه زنان و از جمله تقویت بانک اطلاعات خشونت علیه زنان در وزارت امور زنان حمایت می‌کنند.

^۳ مطابق گزارش منتشره در وبسایت وزارت امور زنان (www.mowa.af.gov)، این وزارت ۴۱۰۳ قضیه را در سال ۱۳۸۹ ثبت نموده است. جزئیات شاخص ثبت قضایا توسط این وزارت در هنگام تدوین این گزارش در دست رس نبود.

۱- خلاصه گزارش

"من حتی یک قضیه خشونت علیه زن را ثبت نکرده ام. نگرانی های امنیتی، رسوم و رفتارهای سنتی قدرتمند و موانع روانی شرم و ترس، زنان را از طرح قضایای شان در محکمه باز میدارد"^۴ یکی از مسئولین محکمه در ولایت خوست

دولت افغانستان با تصویب قانون منع خشونت علیه زن در عقرب سال ۱۳۸۸ (اگست ۲۰۰۹) گام مهمی را در جهت حمایت از برابری زنان و حفاظت حقوق بشری آنها برداشته است. این قانون مهم برای اولین بار ازدواج زیر سن، ازدواج اجباری، خودسوزی اجباری و ۱۹ عمل خشونت آمیز دیگر به شمول تجاوزجنسی علیه زنان را در افغانستان جرم شمرده و بر مجازات عاملین آن تأکید می نماید.

این گزارش، تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط ارگانهای عدلی و قضایی را در سراسر افغانستان از اول حمل ۱۳۸۹ الی سنبله ۱۳۹۰ بررسی نموده که در آن خلاهای بزرگ و پیشرفت های مثبت را مشاهده نموده است.^۵ این گزارش یافته های اولیه در مورد تطبیق قانون مذکور را که در گزارش یوناما تحت عنوان "عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان" (۱۹ قوس ۱۳۸۹) درج گردیده بود، تازه و به روز ساخته است. گزارش مذکور رفتارهای زیان آور علیه زنان را که بطور گسترده وجود دارد ثبت نموده و در ضمن قانون منع خشونت علیه زن را به مثابه یک ابزار کلیدی برای مبارزه علیه خشونت می داند که اکثراً ریشه در اینگونه رسوم و رفتارهای زیانبار داشته و برابری زن و مرد را نفی و بد رفتاری های پنهان خانوادگی را نیز تحمیل می نماید. این گزارش (گزارش راه طولانی فرا روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان) دریافته است که تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط دولت و بطور خاص توسط پولیس و خازنوالی بسیار محدود بوده و بخاطر بهبود اجراءات جهت تطبیق درست این قانون به تلاش های بیشتری نیاز می باشد.

تحقیقات یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر نشان میدهد که مسئولین عدلی و قضایی در بسیاری از بخش های کشور قانون منع خشونت علیه زن را مورد استفاده قرار داده است، اما این استفاده در قسمت تعداد محدود از قضایای خشونت علیه زنان صورت گرفته

^۴ مصاحبه یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر با یکی از مسئولین محکمه استیناف در ولایت خوست، ۲۹

حمل ۱۳۹۰

^۵ افغانستان در اسناد رسمی اش از تاریخ هجری شمسی استفاده می نماید. طوریکه در بخش روش تحقیق ذکر گردید، این گزارش معلومات آماری مفصل در ۳۱ ولایت از سال ۱۳۸۹ را توأم با یک سری معلومات عمومی در طی شش ماه اول سال ۱۳۹۰ ارائه میکند.

است که نشان دهنده این واقعیت است که برای حفاظت کامل زنان با استفاده از قانون منع خشونت علیه زن راه درازی در پیش رو می باشد.

آمار و ارقام رسمی و جامع در مورد تعداد قضایای خشونت علیه زنان در افغانستان موجود نبوده و اکثر رویدادها حتی گزارش نمی شوند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۸۹ به تعداد ۲۲۹۹ قضیه خشونت علیه زنان را در جریان اولین سال کامل تطبیق این قانون (۱۳۸۹) به ثبت رسانیده است که میتواند مطابق قانون منع خشونت علیه زن جرم تعریف شود. با در نظر گرفتن ارقام مذکور (۲۲۹۹ قضیه خشونت علیه زنان) منحصیث مبنی آمار تعمیمی، تحقیقات یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در مورد اجراءات قضایی نشان می دهد که از جمله قضایای مذکور خارنوالان در ۲۸ ولایت از ۳۴ ولایت افغانستان، بر اساس قانون منع خشونت علیه زن تنها ۲۶ درصد شکایات را ثبت و کمتر از هفت درصد آن (۱۵۵ مورد) را پی گیری عدلی نموده است و تنها حدود ۴ درصد این قضایا (۱۰۱ مورد)، بر اساس قانون منع خشونت علیه زن توسط محاکم رسیدگی شده است.^۶

با اینکه، این روند رو به افزایش تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان را یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر امید وار کننده می بیند، اما معدود بودن شکایات و قضایایی که مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار گرفته واضح می سازد که دولت هنوز قانون مذکور را در اکثر قضایای خشونت علیه زنان تطبیق نکرده است.

خارنوالان در ۱۷ ولایت^۷ راجع به قضایای مذکور به پیشگاه محکمه اقامه دعوی نموده است. ولایت هرات با ۶۸ مورد اقامه دعوی توسط خارنوالی ۳۵ مورد رسیدگی توسط محکمه براساس این قانون، در رأس قرار دارد. خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در کابل، تقریباً نصف از مجموع قضایای خشونت علیه زنان در سراسر کشور را ثبت نموده است؛ ۲۸۵ قضیه از کابل و ۴۷ قضیه از ۱۹ ولایت دیگر. خارنوالی مذکور تنها ۲۱ قضیه را در جریان سال ۱۳۸۹ به محکمه جهت تعقیب قضایی، ارجاع نموده است.

یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر همچنان موارد فزاینده از قضایای خود کشی دختران و زنان مستأصل را در مناطق جنوب و جنوب شرق افغانستان ثبت نموده است که اکثر

^۶ معیارهای ثبت شکایت توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر یکسان با معیارهای ثبت توسط پولیس و دفتر خارنوالی نمیباشد. ۲۸ ولایت مذکور قرار ذیل میباشد: بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، بامیان، دایکندی، فراه، فاریاب، غزنی، غور، هلمند، هرات، جوزجان، کابل، کندهار، خوست، کنر، کندوز، لغمان، لوگر، ننگرهار، نیمروز، پکتیا، پکتیکا، پنجشیر، پروان، تخار و زابل. دفاتر سارنوالی در چهار ولایت سمنگان، سری پول، اروزگان و کاپیسا هیچ قضیه خشونت علیه زن را براساس قانون منع خشونت علیه زن ثبت نکرده است و دفتر یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر معلومات کافی راجع به چگونگی ثبت قضایا در دولایات میدان وردک و نورستان بدست نیاورده است.

^۷ چهارده ولایت مذکور قرار ذیل اند: بدخشان، بلخ، بامیان، فراه، فاریاب، غزنی، هلمند، هرات، جوزجان، کابل، قندوز، کنر، لغمان، لوگر، ننگرهار، پکتیا و تخار.

آنها توسط پولیس تحقیق نشده است در حالیکه قانون منع خشونت علیه زن در ماده ۲۱ مجبور نمودن به خودکشی را جرم انگاری نموده است.

یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر دریافت کرده است بعضی قتل‌ها یا جرایم شدید دیگری که در قانون منع خشونت علیه زنان جرم انگاری شده به جای اینکه براساس قانون منع خشونت علیه زنان رسیدگی شود، بر اساس قانون جزاء رسیدگی عدلی قضایی میشود که در نتیجه بعضاً منجر به براءت متهم یا اتهام سبکتر یا مجازات خفیف تر گردیده است و زنان نیز به ارتکاب "جرایم اخلاقی" متهم میگردد.^۱

در بسیاری از مناطق پولیس و خارتوانان به ارجاع قضایای خشونت علیه زنان به میانجیگری و میکانیزمهای عرفی حل و فصل منازعات که نه قانون منع خشونت علیه زن و نه قانون جزاء را تطبیق میکند و نه حقوق زنان را به قدر کافی حمایت می نمایند، ادامه داده است. گزارش هذا دریافت شده است که بسیاری از دوسیه‌های خشونت علیه زنان که به پولیس و خارتوانان گزارش شده، در خارج از سیستم عدالت رسمی از طریق میانجیگری، فشار جهت انصراف از پیگیری شکایت و یا هم ارجاع به بزرگان در میکانیزم های عرفی حل و فصل شده اند. یوناما همچنین استفاده گسترده از میانجیگری را برای حل خشونت های خانواده گی توسط نهادهای مختلف به شمول واحد پاسخ دهی به خشونت های خانوادگی پولیس، ریاستهای امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مشاهده و در این گزارش درج نموده است.

توسل به میانجیگری تا حدی بیانگر خواست صریح زنانی است که عمدتاً علیه شوهران خویش شکایت ترتیب می دهند، اما به نظر می رسد که مسئولین بطور نامناسب و حتی با فشار به قربانیان پیشنهاد می کنند تا شکایت خود را پس گرفته و به میانجیگری متوسل شوند. استفاده گسترده از میانجیگری برای حل و فصل قضایای جدی خشونت علیه زنان با بهترین رویه های بین المللی و روحیه و متن قانون منع خشونت علیه زن که خواهان حمایت از حقوق قربانیان خشونت، جلوگیری از خشونت بیشتر و تحت پیگرد عدلی قراردادن مرتکبین خشونت میباشد، در تضاد است.

^۱ برای قتل های که سبب آن تجاوز جنسی (ماده ۱۷ فقرات ۱ و ۲ قانون منع خشونت علیه زن)، سوختاندن و استعمال مواد کیمیاوی و زهری (ماده ۲۰ فقره ۲ قانون مذکور)، جراحت و معلولیت (ماده ۲۲ فقره ۲ قانون مذکور) میباشد، خارتوانان باید قانون منع خشونت علیه زن را بر آن تطبیق نمایند. جرایم به اصطلاح "جرایم اخلاقی" که در درجه اول "عمل زنا" (مقاربت جنسی خارج از رابطه زوجیت) از آن جمله است که در قانون جزاء و شریعت جرم میباشد اما "فرار از منزل" در قوانین افغانستان جرم نمی باشد. مقامات افغان اکثرأ قربانیان تجاوز جنسی را که از "منزل فرار میکند" به زنا یا "قصد ارتکاب زنا" که اصولاً در قوانین افغانستان جرم نیست؛ متهم میکنند.

از زمان تصویب این قانون، در ۲۸ ولایت^۹ کمیسیون منع خشونت علیه زن ایجاد گردیده است که بر اساس قانون منع خشونت علیه زن دارای مأموریت حمایت از اجرائی این قانون می‌باشد. گزارش دریافتی است که در حال حاضر فقط ۱۶ کمیسیون مذکور فعال بوده و بطور منظم جلسات خود را برگزار می‌کنند و بسیاری آنها قربانیان خشونت علیه زنان را حمایت می‌نمایند و همچنان فعالیت‌های آگاهی‌عامه انجام می‌دهند ولی با آن هم تقریباً تمام این کمیسیون‌ها تا هنوز سعی دارند تا مأموریت خود را به وجه احسن انجام دهند که برای این مهم نیازمند به حمایت از سوی دفاتر والیان، وزارت امور زنان و دیگر ارگانهای دولتی می‌باشند. با اینکه اجرای قانون منع خشونت علیه زنان شروع شده است، اما آنطوریکه این گزارش نشان می‌دهد عدم آگاهی زنان و دختران از مقررات حمایتی این قانون، تطبیق نا منظم آن و گستردگی رسوم زیان‌آور باعث می‌شود که زنان هنوز هم بجای اینکه مورد حمایت اقدامات حمایتی و حفاظتی قرار گیرند، باید از خشونت و ازدواجهای اجباری فرار کنند. مراکز حمایتی برای زنان - یک پیشرفت نسبتاً جدید در افغانستان - برای زنان با تأمین سرپناه موقت گاهی اوقات نقش حمایتی خوب را برای حفظ حیات زنان ایفاء می‌کنند. شورای وزیران افغانستان برای اولین بار مقرر کرده مراکز حمایت از قربانان خشونت علیه زنان را به تاریخ ۱۳ میزان ۱۳۸۹ (۵ سپتمبر ۲۰۱۱) تصویب نمود. این مقرر خدمات مهمی را که این خانه‌های امن (متعلق به دولت یا موسسات غیر دولتی) ارائه می‌کنند بر شمرده و همچنین معیارهای لازم را برای طرز کار و اداره این خانه‌ها جهت حفظ حقوق و کرامت انسانی ساکنین آن در نظر گرفته است. اجرای این مقرر همراه با ایجاد خانه‌های امن در مناطقی که هنوز وجود ندارد، می‌تواند به زنان بیشتری فرصت برخورداری از حمایت‌های قانون منع خشونت علیه زنان را فراهم سازد.

رفع چالش‌های موجود در برابر تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان یکی از عناصر مهم پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (۱۳۷۷-۱۳۹۷) بوده که خواهان بازنگری چهارچوب قانونی و سیستم قضایی افغانستان می‌باشد تا بتواند برابری و عدم تبعیض علیه زنان را طوری که در قانون اساسی و معاهدات بین‌المللی حقوق بشر آمده، تضمین نماید. دولت بر تعهدات اش در قبال تساوی جنس در کنفرانس بین‌المللی کابل (۱۳۸۹) تأکید مجدد نموده و برنامه "ظرفیت‌سازی جهت تسریع اجرای پلان کاری ملی برای زنان افغانستان" را به منظور ارتقای ظرفیت‌های مربوطه دولتی به هدف تسری مفاد پلان کاری مذکور در تمام فرایندهای پالیسی‌سازی، برنامه‌ریزی، بودجه‌سازی، اجراء، نظارت، گزارش‌دهی و ارزیابی در این ادارات، انکشاف داده

^۹ شش ولایت که در آن کمیسیون ولایتی منع خشونت تأسیس نشده عبارت اند از: کابل، نورستان، هلمند، قندهار، زابل، و پکتیکا

است.^{۱۰} پروگرام "قانون وعدالت برای همه" در افغانستان یکی دیگر از برنامه‌های دارای اولویت ملی است که قرار است توسط بورد مشترک نظارت و انسجام مورد تصویب قرار گیرد. این پروگرام خواهان اجراء و رعایت بیشتر قانون منع خشونت علیه زن از سوی دفتر لوی خارنوالی، ستره محکمه و وزارت عدلیه به حمایت تمویل کنندگان بین المللی، می‌باشد.

رسوم و رفتارهای سنتی زیانبار توام با خشونت علیه زنان از مدتها بدینسو مانع مشارکت زنان در زندگی اجتماعی شده و نمی‌گذارد تا صدای آنها در نشست‌های تصمیم‌گیرنده شنیده شود. پیشرفت در اجرای قانون منع خشونت علیه زن می‌تواند زنان را قادر سازد تا در تلاشها و روند های صلح و مصالحه جاری در کشور، نقش مهمتری را ایفاء کند.

یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر تأکید دارد که این گزارش می‌تواند اساس خوبی برای ارزیابی اجرای بیشتر قانون منع خشونت علیه زن باشد و درک عوامل را که مانع پیگیری عدلی قضایایی موارد خشونت علیه زنان میشود افزایش بدهد، و به همین شکل گستردگی مشکلات دست رسی زنان به عدالت را ترسیم نموده و به ارزیابی موثریت برنامه های آموزشی و آگاهی دهی کمک نماید. بدین منظور بخش حقوق بشر دفتر یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر از دولت افغانستان درخواست می‌نماید تا تلاشهای به مراتب بیشتری را برای بلند بردن سطح آگاهی از قانون منع خشونت علیه زن در میان زنان و مردان اعم از شهری و روستایی و در تمام سطوح ادارات دولتی، به خرج دهد. ستره محکمه، وزارت داخله و دفتر لوی خارنوالی باید کارمندان خود را به طور کامل در تمام سطوح در قسمت تطبیق دقیق، سریع و موثر این قانون راهنمایی نمایند. همچنان پولیس، خارنوالان و قضات بسیاری از مناطق هنوز هم ضرورت به آموزشهای بیشتر راجع به نحوه به کاربردن این قانون دارند. تمویل کنندگان بین المللی باید به حمایت های شان از دولت در جهت اجرای قانون منع خشونت علیه زن افزایش داده و منابع لازم را برای انجام برنامه های آموزشی و مربی گری راجع به چگونگی تطبیق درست قانون مذکور تهیه نموده و به همین شکل از برنامه های آگاهی دهی که منجر به افزایش تطبیق این قانون و محافظت زنان قربانی خشونت میگردد، حمایت به عمل آورند.

^{۱۰} پروگرامهای دارای اولویت ملی اهم برنامه های دولت افغانستان در چارچوکات استراتیژی انکشاف ملی افغانستان به منظور تحقق تعهدات سپرده شده در کنفرانس بین المللی کابل، میباشد. برنامه دارای اولویت ملی مرتبط به "پلان کالی ملی برای زنان افغانستان" در جلسه بورد مشترک نظارت و انسجام در ۲۷ میزان ۱۳۹۰ تصویب گردید. بورد مشترک نظارت و انسجام در جنوری ۲۰۰۶ (جدی ۱۳۸۴) توسط دولت افغانستان و جامعه بین المللی به منظور هماهنگی راهبردی برای تطبیق موافقت نامه لندن و استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، تأسیس گردید.

پیشنهادات کلیدی

به دفتر لوی څارنوالی

- رهنمودهایی را برای څارنوالان صادر نماید و در آن مشخص سازد که چه نوع قضایای خشونت علیه زنان باید مورد پیگرد عدلی قرار گیرد و چه نوع قضایای مذکور میتواند به میانجیگری ارجاع شود.
- تعقیب عدلی تمام جرایم شدید خشونت علیه زنان را تضمین کند.
- عملکرد څارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در کابل را ارزیابی نماید تا معلوم گردد که چرا فقط یک تعداد محدودی از کل قضایای ثبت شده در این اداره مورد پیگیری عدلی قرار گرفته و چگونه میتوان کارهای این واحد را بهبود بخشید.

به وزارت داخله

- برای ریاست عمومی تحقیقات جنایی پولیس، بشمول واحد حل منازعات فامیلی، رهنمودهای را صادر نماید که در آن انواع جرایم خشونت علیه زنان را که باید تحقیق و تعقیب عدلی گردد و آن دسته دیگری از خشونت ها علیه زنان را که پولیس میتواند به میانجیگری محول نماید واضح و روشن سازد
- اطمینان حاصل کند که افسران پولیس تمام قضایای را که به آنها گزارش میشود به طور درست، آنطوریکه در ماده ۷ قانون منع خشونت علیه زن پیش بینی گردیده، ثبت نموده و رسماً مستند سازی نماید به شمول قضایای که توسط پولیس به میانجیگری محول شده و یا توسط خود این واحد میانجیگری میگردد.
- اطمینان حاصل نماید که واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی منحصبت بخشی از ریاست تحقیقات جنایی از مزایای تمام آموزش ها در مورد شیوه ها و شگرد های تحقیق و تفتیش مستفید گردد و همچنان قادر باشند که بطور کامل در تحقیق جنایت های که در آن خشونت های فامیلی، تجاوز جنسی و یا سایر انواع خشونت علیه زنان شامل است، سهم بگیرند.
- اطمینان حاصل نماید که تمامی افسران زن واجد شرایط به وظایف مسلکی موظف شده و در ترفیع رتبه مورد توجه یکسان قرار میگیرند.

به ستره محکمه

- به دیوان جزاء عمومی و ریاست تفتیش قضایی هدایت دهد که تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان را در قضایای خشونت علیه زنان نظارت و بررسی کنند.

به وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان

• لایحه کاری لازم را برای کمیسیون‌های ولایتی منع خشونت علیه زن منجمه برای اعضای مؤسس آنها ایجاد و بخاطر ثبت و پیگیری دوسیه‌های خشونت علیه زنان رهنمودهای لازم را نیز صادر نماید.

• از جامعه مدنی به شمول نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی فعال در عرصه حقوق زن، مدیران خانه‌های امن و همکاران بین‌المللی برای اشتراک در جلسات کمیسیون عالی به عنوان ناظر به منظور گزارشدهی پیرامون موضوعات ویژه و همچنین حمایت فعالانه از کار کمیسیون، دعوت بعمل آورد.

به تمویل کنندگان بین‌المللی

• برنامه‌های کمک‌های تخنیک‌ی منسجم را به منظور افزایش حمایت از ابتکارات دولت جهت تطبیق قانون منع خشونت علیه زن مانند: راه‌اندازی کمپین‌های آگاهی‌دهی در سراسر کشور، مساعدت و تدویر برنامه‌های آموزشی برای کمیسیون‌های ولایتی منع خشونت علیه زن و حمایت تخنیک‌ی از کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن، به طور کامل تمویل و تطبیق نمایند.

• تطبیق کامل پلان کاری ملی برای زنان افغانستان، برنامه‌های دارای اولویت ملی "قانون و عدالت برای همه" و "ظرفیت‌سازی جهت تسریع تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان" را به طور کامل حمایت و تمویل نمایند.

پیشنهادات تفصیلی در پایان این گزارش ارائه گردیده است.

۲. زمینه

میلیون ها زن و دختر افغان خشونت های را تجربه می کنند که غالباً ریشه در رفتارها و دیدگاه- های سنتی دارند که برابری زن و مرد را نفی میکنند. این رفتارها منجر به پنهان ماندن موارد بدرفتاری در محیط خانواده گردیده است و پولیس و مراجع قضایی بر عکس زنانی را بازداشت نموده و مورد پیگرد قرار می دهند که از ازدواج اجباری و یا اینگونه خشونت های خانوادگی فرار می نمایند.

گزارش های ذیل: "خاموشی خشونت است: به بدرفتاری با زنان در افغانستان خاتمه دهید" منتشره سرطان ۱۳۸۸ (جولای ۲۰۰۹)، و "عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان"^{۱۱} منتشره قوس ۱۳۸۹ (دسامبر ۲۰۱۰) از جمله گزارش هایی اند که خشونت گسترده علیه زنان در افغانستان را مستند سازی نموده اند.

۲.۱- تصویب قانون منع خشونت علیه زن

نگرانی گسترده از موارد خشونت علیه زنان، حکومت افغانستان را واداشت تا در ماه اگست ۲۰۰۹ قانون منع خشونت علیه زن را تصویب نماید که مهم ترین گام حقوقی میباشد که حکومت تا کنون برداشته تا اعمال خشونت آمیز علیه زنان را جرم انگاری نموده و مرتکبین آنرا به پنجه عدالت بسپارند.

تصویب این قانون نقطه عطف برای فعالان حقوق زن طی سالها مبارزه شان میباشد. آنها بودند که این قانون را تدوین و برای انفاذ آن تلاش نمودند. تنفیذ این قانون تعهد حقوقی دولت افغانستان را در قبال برابری حقوق و وجایب زن و مرد مندرج در قانون اساسی افغانستان، محقق ساخت.^{۱۲} و همچنین گام مهم تقنینی در راستای اجرای تعهداتی است که حکومت افغانستان با تصویب بدون شرط کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان قبول کرده است.^{۱۳}

قانون منع خشونت علیه زن ۲۲ مورد خشونت علیه زنان را معرفی نموده است: تجاوز جنسی، مجبور نمودن به فحشاء، ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحویکه به شخصیت وی

^{۱۱} متن هردو گزارش به زبان های انگلیسی، دری و پشتو در آدرس ذیل قابل دسترس است:

<http://unama.unmissions.org/Default.aspx?tabid=۴۶۵۴>

^{۱۲} به طور خاص به ماده ۲۲ قانون اساسی مصوب ۲ دلو ۱۳۸۲ (۲۲ جنوری ۲۰۰۴) مراجعه نماید.

^{۱۳} بتاریخ ۲۳ اسد سال ۱۳۵۹ (۱۴ اگست سال ۱۹۸۰) امضاء گردید و بتاریخ ۱۴ حوت ۱۳۸۱ (۵ مارچ ۲۰۰۳) به تصویب رسید.

صدمه برساند؛ آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی، زهری و سایر مواد ضررناک؛ مجبور نمودن به خودسوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک، مجروح یا معلول نمودن، لت و کوب، خرید و فروش به منظور یا به بهانه ازدواج، بد دادن، نکاح قبل از اكمال سن قانونی؛ دشنام، تحقیر و تحویف؛ آزار و اذیت، انزوای اجباری، اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر، منع تصرف در ارث، منع تصرف اموال شخصی؛ ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی؛ کار اجباری، ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده (۸۶) قانون مدنی.

قانون مذکور برای افرادی که به ارتکاب این گونه اعمال متهم و مجرم شناخته شوند، مجازات تعیین نموده است و محکمه و خرنوالی را مکلف می‌داند "تا قضایای خشونت علیه زنان را در اولویت قرار داده و به اسرع وقت رسیدگی نمایند." ^{۱۴} قانون منع خشونت علیه زن با مکلف ساختن صریح پولیس به پذیرش و درج شکایات مرتبط به خشونت علیه زنان و رسیدگی به شکایات مذکور و درجریان قرار دادن وزارت امور زنان از اجراءات خویش، صلاحیت و موقف پولیس را تقویت نموده تا به قربانیان خشونت‌های مذکور مساعدت، حقوق و آزادی‌های افراد را حفاظت، جرایم را کشف و با آنها مبارزه نماید.^{۱۵}

قانون منع خشونت علیه زن همچنین دولت را مکلف به اتخاذ اقدامات حفاظتی و حمایتی به نفع قربانیان می‌نماید. این قانون مکلفیت‌های ویژه‌ای را برای هفت وزارتخانه بر شمرده و تشکیل یک کمیسیون عالی برای منع خشونت علیه زن را پیش بینی نموده است که در ترکیب اعضای آن نمایندگان وزارت‌ها و ریاست‌های کلیدی شامل می‌باشند. کمیسیون عالی ادارات ولایتی را دستور داده است تا کمیسیون‌های منع خشونت علیه زن را در سطح ۳۴ ولایت کشور ایجاد نمایند.

مراجع مختلف تمویل کننده بین المللی از تطبیق قانون منع خشونت علیه زن حمایت به عمل آورده اند. به طور مثال اداره ملل متحد برای زنان مساعدتهای تخنیکی چند جانبه را به وزارت امور زنان ارائه می‌نماید. این وزارت نقش رهبری کننده کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن را به عهده دارد. سازمان بین المللی انکشاف حقوقی (آیدیلو) به خرنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان خدماتی از قبیل آموزش، مساعدت‌های اداری و مربی‌گری ارائه نموده است. آیدیلو همچنین یک تعداد خرنوال‌ها را در ولایت هرات و قضاات را از ولایات کابل، قندهار، هلمند، ارزگان، زابل، ننگرهار، کنر و لوگر آموزش داده است. برنامه حمایت سکتور

^{۱۴} فقره (۴) ماده ۷ قانون منع خشونت علیه زن.

^{۱۵} به ماده های ۵ و ۲۶ قانون پولیس، فقره ۲ ماده ۲۹ قانون اجراءات جزائی موقت و ماده های ۷ و ۱۳ قانون منع خشونت علیه زن مراجعه نماید.

عدلی و قضایی افغانستان (JSSP)^{۱۶} سیمینارهایی را در زمینه تحقیقات جنایی ابتدایی به شمول تحقیقات در موارد نقض قانون منع خشونت علیه زن برای پولیس و تعدادی از خارتوانان کابل و نیز یک سیمینار را پیرامون قانون منع خشونت علیه زن برای یک تعداد دیگر از خارتوانان دایر نمود. داین کورپ (DynCorp)^{۱۷}، یک قراردادی خدمات، مقیم در ایالات متحده، واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی پولیس ملی افغانستان را آموزش می دهد که این کار می تواند سهم عمده ای را در تحقق اهداف قانون منع خشونت علیه زن ایفاء نماید. ماموریت پولیس اتحادیه اروپا در افغانستان (EUPOL) در حال فراهم سازی و انجام آموزش های ابتدایی در زمینه تحقیقات جنایی در مورد خشونت علیه زنان برای واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی و خارتوانالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان است.

یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر فعالیت های متعددی را به شمول نظارت دقیق قضایی خشونت علیه زنان در سراسر کشور، نشر گزارش "عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان" و فعالیت های آگاهی دهی و آموزشی در ۲۳ ولایت کشور روی دست گرفته است و حمایت تخنیکی و رهنمایی های لازم را به ریاست های امور زنان در مورد ایجاد و فعال سازی کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن ارائه می نماید.

۲.۲ - ضعف های موجود در قانون منع خشونت علیه زن

اگر چه قانون منع خشونت علیه زن نقطه عطفی در مبارزه برای جرم انگاری خشونت علیه زنان به شمار می آید، ولی گفتگوها پیرامون اعمال تعدیلات ممکنه در این قانون برای بهتر شدن آن از همان اوایل تسوید و تنفیذ آن آغاز گردید.

قانون منع خشونت علیه زن جرایمی را که زیر نام "دفاع از ناموس" ارتکاب می گردد به طور جداگانه جرم انگاری ننموده است و برخی جرایم دیگر مانند تجاوز جنسی و عنصر اکراه در آن را، که جرم تجاوز را از جرم زنا که به رضایت طرفین صورت می گیرد، متفاوت می سازد نیز به وضوح تعریف ننموده است.

این قانون هیچ اشاره ای به این موضوع نکرده است که مسئولین باید با زنانی که به منظور نجات از اعمال مجرمانه مندرج در قانون مذکور فرار می کنند، چگونه رفتار نمایند. در جریان بررسی قضایای انفرادی، یوناما به موارد بی شماری برخورد کرده است که در آن دختران از خانه هایشان به

^{۱۶} از طرف وزارت خارجه ایالات متحده، اداره بین المللی کنترل مواد مخدر و تنفیذ قانو (INL) حمایت می گردد.
^{۱۷} طبق یک قرارداد امضاء شده با ایالات متحده امریکا موسسه نظامی داین کورپ خدمات آموزشی و مربیگری را برای وزارت امور داخله و پولیس ملی افغان ارائه می نماید.

خاطر نجات از ازدواج‌های اجباری و یا خشونت خانوادگی فرار نموده اند ولی نهایتاً بازداشت گردیده و معمولاً به اتهام "فصد ارتکاب زنا" محکوم شده اند به شمول محکومیت توسط ستره محکمه.^{۱۸} در حالیکه قانون منع خشونت علیه زن مرتکبین این گونه جرایم را به مجازات محکوم می‌نماید، ولی از سوی دیگر هیچ گونه تدابیر حمایتی و حفاظتی را برای زنان و دخترانی که از اینگونه جرایم فرار می‌کنند، در نظر نگرفته است. بازداشت بودن تعداد زیاد زنان در محابس افغانستان به خاطر ارتکاب اعمال معروف به "جرایم اخلاقی" گویایی این حالت می‌باشد.^{۱۹}

همچنان این قانون پیگیری عدلی بسیاری از جرایم به شمول موارد جرمی بسیار جدی مانند خرید و فروش زن به خاطر ازدواج، بد دادن، ازدواج صغیر و یا وارد آوردن جراحت و یا معلولیت را منوط به تسلیم شکایت رسمی توسط قربانی یا خویشاوندان وی دانسته است. در صورتیکه عریضه‌ای درج نشود و یا اینکه زن قربانی در نتیجه فشار خانواده و یا ترس از انتقام از پیگیری شکایت خود انصراف نماید، دولت مکلف به تحقیق و تعقیب قضیه دانسته نمی‌شود. اینها کاستی‌های عمده در قانون نامبرده است که ایجاب می‌کند تا در آینده مورد تعدیل قرار گیرد.

تطبیق احکام مشخص

ماده ۳۹ بند ۲ - انصرف از پیگیری قضیه

بررسی یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر نشان می‌دهد که فقره ۲ ماده ۳۹ از موادی است که بیشتر از هر ماده دیگر این قانون مورد استفاده قرار گرفته است، که به موجب این حکم مجنی علیها می‌تواند در هر مرحله از مراحل تعقیب عدلی از پیگیری شکایت خویش صرف‌نظر کند.^{۲۰} برخی از ناظران از حکم فقره ۲ ماده ۳۹ به دلیل مجازات‌های سنگین وضع شده در این قانون برای برخی از جرایم و تحمل ضررهای اقتصادی و اجتماعی توسط زنان که شوهران‌شان برای مدت‌های طولانی حبس می‌شوند، دفاع می‌نمایند.^{۲۱} استناد به این ماده

^{۱۸} به بخش مربوط به ستره محکمه در این گزارش مراجعه نمائید.

^{۱۹} به گزارش یوناما تحت عنوان "عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان" منتشره ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰ نگاه کنید.

^{۲۰} ماده ۳۹ فقره ۲: "مجنی علیها می‌تواند در موارد مندرج فقره (۱) این ماده در هر مرحله از تعقیب عدلی (کشف، تحقیق، محاکمه یا محکومیت) از شکایت خویش منصرف گردد، در این صورت رسیدگی به دعوی و تطبیق جزای متوقف می‌گردد." استثنائاتی در مورد جرائم تجاوز جنسی، اجبار به فحشا، افشای هویت قربانی، استفاده از مواد کیمیایی و اجبار به خودسوزی و خودکشی در نظر گرفته شده است.

^{۲۱} مصاحبه یوناما با وکلای مدافع Medica-Afghanistan، ۱۲ اسد ۱۳۹۰ (۳ آگست ۲۰۱۱).

در اکثر موارد زنان را در وضعیتی آسیب‌پذیر نسبت به فشارهای خانوادگی و اجتماعی قرار می‌دهد.

ماده ۴۲- عفو و تخفیف مجازات

اخیراً ستره محکمه ماده ۲۴۲ قانون منع خشونت علیه زن را که عفو و یا تخفیف مجازات محکومین جرایم خشونت علیه زنان را منتفی می‌دانست، ملغی اعلان نموده است؛ زیرا ستره محکمه حکم این ماده را در تناقض با صلاحیت عفو توسط رئیس جمهور که در قانون اساسی درج گردیده، یافته است.^{۲۳} مفاد ماده ۴۲ ظاهراً چنین بود که اطمینان حاصل شود که فرد محکوم به مجازات جرایم خشونت علیه زنان از امتیاز رهاشدن قبل از وقت که در اثر فساد اداری و یا واسطه بازی سیاسی صورت می‌گیرد، بهره برده نتواند. در صحنه عمل، برخی از مقامات قضایی به یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر گفتند که این ماده خارنوالان را از تطبیق قانون منع خشونت علیه زن باز میداشت. رئیس دیوان جزای محکمه استیناف ولایت فاریاب^{۲۴} گفت که خارنوالان ترجیح می‌دهند که علیه متهم با استفاده از قانون جزا اقامه دعوی نمایند، چون قانون منع خشونت علیه زن برای فرد محکوم جای عفو باقی نگذاشته است.

با اذعان به اینکه تعدیلات در این قانون به خاطر تضمین کامل حقوق زنان ضروری است، یوناما و گروه‌های فعال حقوق زن به این نظر اند که قانون فعلی نیز در صورتیکه درست تطبیق شود می‌تواند به عنوان ابزاری حقوقی قوی برای حمایت و بهبود حقوق زنان باشد و تطبیق آن منجر به کاهش عنعنات ناپسندی شود که باعث آزار و اذیت میلیون‌ها زن و دختر افغان در سراسر کشور می‌شود.

^{۲۲} تعلیق، عفو و تخفیف مجازات. "مجازات محکومین جرایم خشونت علیه زنان، تعلیق، عفو و یا تخفیف شده نمی‌تواند."
^{۲۳} مصوبه ستره محکمه مورخ ۴ اسد ۱۳۹۰ (۲۷ جولای ۲۰۱۱)، شورای عالی ستره محکمه همچنان در قبال استهدایی مبنی بر این که ماده (۴۲) قانون منع خشونت علیه زن محدودیتی را در تطبیق فرامین عفو و تخفیف مجازات مقام عالی ریاست جمهوری ایجاد نموده، تصریح کرد که موضوع عفو و تخفیف مجازات محبوسین نظر به حکم قانون اساسی کشور از جمله صلاحیت‌های رئیس جمهور بوده که میتواند به هر شکلی انرا اعمال نماید، بنابراین ماده فوق قانون محو خشونت علیه زنان خلاف قانون اساسی بوده. نمیتواند قانون اساسی را مقید نماید بناء ملغی و غیر قابل تنفیذ میباشد.
^{۲۴} مصاحبه یوناما با رئیس دیوان جزای محکمه استیناف ولایت فاریاب ۱۱ حمل ۱۳۹۰.

۳. یافته‌ها پیرامون تطبیق قانون منع خشونت علیه زن

۳.۱- تعقیب عدلی قضایای خشونت علیه زنان

طی اولین سال کاملی که از تصویب قانون منع خشونت علیه زن سپری شده بود^{۲۵}، خارنوالان در ۲۸^{۲۶} ولایت از ۳۴ ولایت کشور ۵۹۴ مورد نقض این قانون را ثبت نموده بودند. ظاهراً این عملکرد میتواند یک آغاز خوب برای قانون جدید باشد؛ قانون که رسوم زیانباری را که موجب خشونت علیه زنان میگردد و عمیقاً ریشه دوانده است، به چالش میگیرد. به هر حال، خارنوالان تنها ۱۵۵ قضیه مبتنی بر این گونه شکایات را به محکمه فرستاده‌اند که از آن جمله محاکم فقط ۱۰۱ مورد آن را طبق قانون منع خشونت علیه زن رسیدگی نموده است. خارنوالان در ۱۷ ولایت^{۲۷} راجع به قضایای مذکور به پیشگاه محکمه اقامه دعوی نموده است. ولایت هرات با ۶۸ مورد اقامه دعوی ۳۵ مورد رسیدگی توسط محکمه، در رأس قرار دارد. خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در کابل، تقریباً نصف از مجموع قضایای خشونت علیه زنان در سراسر کشور را ثبت نموده است؛ ۲۸۵ قضیه از کابل و ۴۷ قضیه از ۱۹ ولایت دیگر.^{۲۸} ولی با آنهم اقامه دعاوی در محاکم توسط خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان نسبتاً کم بوده است. در کابل این واحد تنها ۲۱ قضیه را طی سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) به محاکم ارجاع نموده است.

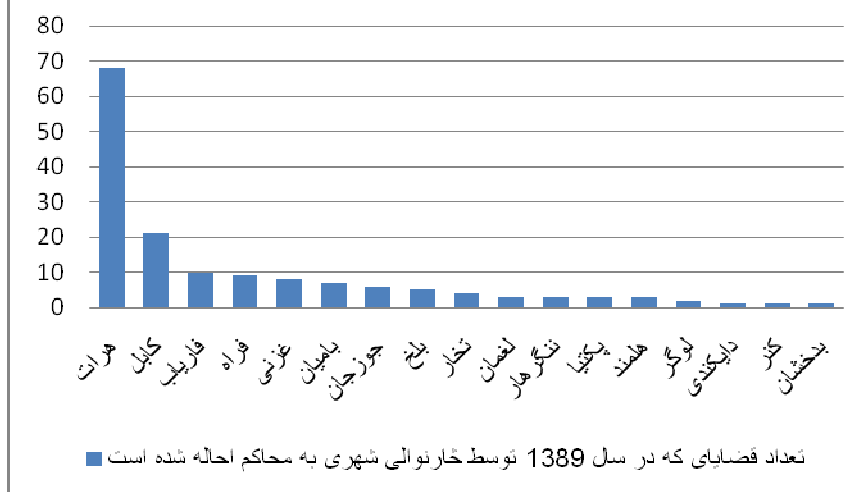
^{۲۵} اول حمل ۱۳۸۹ الی اول حمل سال ۱۳۹۰.

^{۲۶} بیست و هشت ولایت مذکور قرار ذیل اند: ولایت مذکور عبارت اند از: بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، بامیان، دایکندی، فراه، فاریاب، غزنی، غور، هلمند، هرات، جوزجان، کابل، کندهار، خوست، کنر، کندوز، لغمان، لوگر، ننگرهار، نیمروز، پکتیا، پکتیکا، پنجشیر، پروان، تخار و زابل. سارنوالان در چهار ولایت سری پول، سمنگان، ارزگان و کاپیسا هیچ قضیه خشونت علیه زنان را براساس قانون منع خشونت علیه زنان ثبت و درج ننموده است. دفتر یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در ارتباط به دو ولایت میدان وردک و نورستان معلومات کافی در دست ندارد.

^{۲۷} بدخشان، بلخ، بامیان، فراه، فاریاب، غزنی، هلمند، هرات، جوزجان، کابل، قندوز، کنر، لغمان، لوگر، ننگرهار، پکتیا و تخار.

^{۲۸} خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان همچنین ۴۷ قضیه دیگر را از سایر ولایات ثبت نموده است و بعد از اجرای تحقیقات اولیه آنها را به خارنوالان مربوطه که جرایم مذکور در قلمرو قضایی آنها اتفاق افتاده بود، ارجاع نموده است. بعضی از این ۴۷ قضیه در جمله ۵۹۴ قضیه ممکن شامل باشد چون اینها ممکن در میان آن قضایای باشد که توسط خارنوالی‌های ولایات مختلف نیز ثبت گردیده‌اند.

قضایای خشونت علیه زنان ارجاع شده به محاکم شهری توسط خارتوالی های مربوطه، مطابق ولایات



۵۹۴ قضیه ثبت شده بر اساس قانون منع خشونت علیه زن از سوی خارتوالان در ۱۷ ولایت کشور نشان می دهد که این قانون در بسیاری از مناطق کشور در حال تطبیق شدن است. با این حال این عدد کمی بیشتر از یک چهارم تعداد شکایات مربوط به خشونت علیه زنان است که به دفاتر محلی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان طی سال ۱۳۸۹^{۲۹} درج گردیده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در همین مدت، ۲۷۶۵ قضیه را ثبت نموده است. با استفاده از ارقام کمیسیون مستقل حقوق بشر به عنوان مبنای^{۳۰}، تحقیقات یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر دریافته است که از جمله ۲۶ درصد آن (۵۹۴ قضیه) توسط خارتوالی ثبت شده و ۷ فیصد آن (۱۵۵ قضیه) پیگیری عدلی شده و ۴ فیصد آن (۱۰۱ قضیه) بر اساس قانون منع خشونت علیه زن تحت دوران محاکماتی قرار گرفته است و توسط محاکم بر اساس قانون مذکور فیصله شده.

ولایت هایی که یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر مشاهده نموده است که در آنجا این قانون هیچ تطبیق نشده عبارت از ولایات کاپیسا و ارزگان میباشد^{۳۱} که این عدم

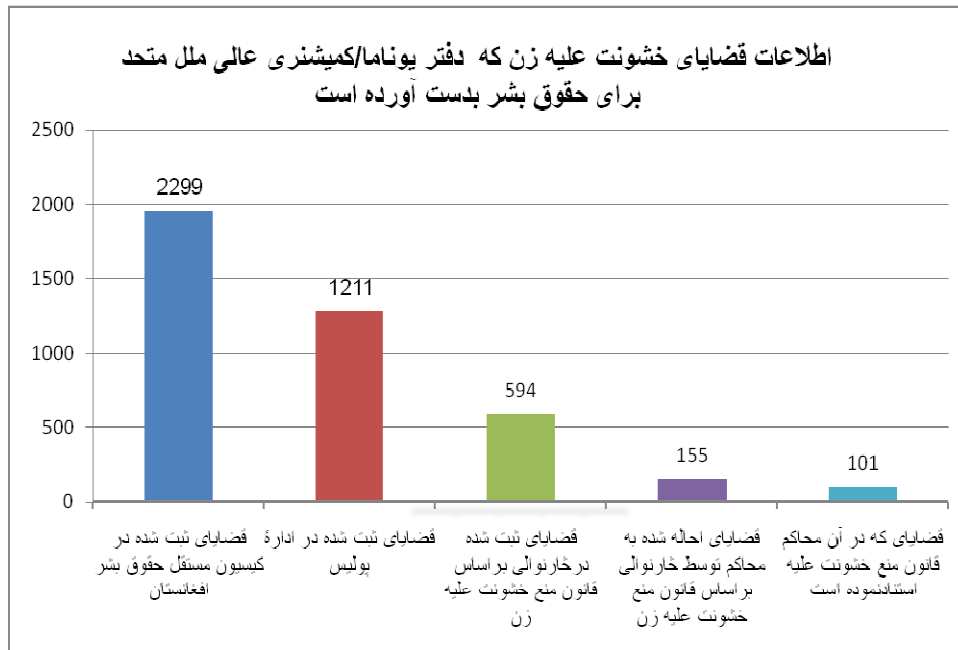
^{۲۹} ۱۳۸۹ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ۲۷۶۵ قضیه را در جریان سال ۱۳۸۹ ثبت نموده است که از آن جمله مورد آن مطابق قانون منع خشونت علیه زن میتواند جرم تعریف گردد.

^{۳۰} معیارهای ثبت شکایات توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان یکسان با این معیارها در ادارات پولیس و دفتر خارتوالی نمیشد به اضافه اینکه کمیسیون ممکن تعداد از شکایات دریافت کرده باشد که به ولسوالی ارجاع نموده و توسط یوناما سروی نشده باشد.

^{۳۱} دفتر یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر راجع به نورستان و میدان وردک معلومات کافی در دست ندارد.

تطبيق قانون با ضعف و يا نبود حكومت، ناامني عمومي و رايج بودن رسوم زيانبار و تبعيض آميز گسترده، تقويت گرديده است. زنان به ندرت از خانه هايشان بيرون ميشوند. تعداد كمي دختران ميتوانند به مكتب بروند. حتي اگر آنان از قانون منع خشونت عليه زن آگاهي هم داشته باشند، آنان قادر به دسترسي به پوليس و يا خارنوالي، رياست امور زنان و يا دفتر كميسيون مستقل حقوق بشرافغانستان نيستند.

رئيس محكمه استيناف ولايت خوست مي گويد: "من خودم حتي يك قضيه خشونت عليه زن را هم ثبت نكرده ام. نگراني هاي امنيتي، رسوم و عنعنات سختگيرانه و موانع اجتماعي رواني مانند شرم و ترس زنان را از اقامه دعاوي شان به محاكم باز مي دارد."^{۳۲}



❖ کمیسیون مستقل حقوق بشر، پولیس و خارنوالی ها معیارهای مختص به خود را برای ثبت قضایا دارند که این معیارها ضرورتا مشابه نیستند.^{۳۳}

^{۳۲} مصاحبه یونا/کمیسیونری عالی ملل متحد با رئیس محكمه استيناف درخوست ۲۹ حمل ۱۳۹۰ (۱۸ اپریل ۲۰۱۱)، خارنوالی شهر خوست دو قضیه را ثبت نموده بود و هر دوی این قضایا توسط شکایت کنندگان پس گرفته شدند.

^{۳۳} آمار که توسط دفتر یونا/کمیسیونری عالی ملل متحد، سارنوالی، و محاکم در ولایات دریافت شده جامع نمی باشد به خاطر که این ادارات خود یک آمار منسجم، باجزئیات و دقیق ثبت ندارد.

۳.۲- تطبیق قانون منع خشونت توسط خارنوالی ها

خارنوالی مرجع کلیدی در قسمت تطبیق قانون منع خشونت علیه زن می باشد. خارنوالان تحقیق می کنند، قرار دستگیری صادر می کنند، دستگیری توسط پولیس را تأیید می کنند^{۳۴}، مرتکبین را توقیف نموده و تحت تعقیب عدلی قرار می دهند و حتی در تطبیق احکام محاکم نقش فعال دارند.^{۳۵} کیفیت اقدامات خارنوال و تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زن و احکام این قانون و صدور رهنمودهای این اداره مبنی بر اتخاذ اقدامات سریع در قضایای خشونت علیه زنان^{۳۶} در مجموع نمایانگر این موضوع می باشد که آیا عدالت برای زنان قربانی خشونت تامین گردیده است. سایر قوانین افغانستان موقف خارنوال را در تامین حقوق کلیه شهروندان، به عدالت کشیدن مرتکبین جرایم و حصول اطمینان از تطبیق قانون^{۳۷} تقویت می کند.

به تاریخ ۱۸ جلدی ۱۳۸۹، لوی خارنوالی یک رهنمود فشرده اما روشنی را به خارنوالان فرستاد تا قضایای خشونت علیه زنان را با استناد به قانون منع خشونت علیه زن پیگیری نمایند.

قانون منع خشونت علیه زن در جریده رسمی نمبر (۹۸۹) ۱۳۸۸/۵/۱۰ نشر و انفاذ گردیده اما اکثر خارنوالی ها و محاکم محترم در قضایای تجاوز جنسی و یا خشونت علیه زن باز هم به مواد قانون جزاء و یا ماده ۱۳۰ قانون اساسی اتکا می نمایند که چنین اجراءات خطای قانونی بوده سبب نقض فیصله می گردد، خارنوالی ها در زمینه توجه جدی مبذول نمایند.

با آن هم یوناما مشاهده نموده است که برخی از مامورین عدلی و قضایی در هنگام ترتیب صورت دعوی و صدور حکم از قوانین دیگر به ویژه قانون جزاء، و احکام شریعت استفاده نموده است که در نتیجه بعضاً مرتکبین جرایم برائت حاصل نمودند یا به مجازات خفیف تر

^{۳۴} به اساس قانون اجراءات جزائی موقت خارنوال مکلف است تا دستگیری توسط پولیس را تأیید نموده در غیر آن شخص دستگیر شده رها می گردد. ماده (۲۹ بند ۱): نقش پولیس عدلی: پولیس عدلی وظایف خویش را به هدایت و دستور خارنوال ایفا می نماید. ماده (۳۳) بند ۱: تأیید تصامیم پولیس: خارنوال ابتدائیه مکلف است بعد از دریافت اطلاع در مورد اجراءات پولیس عدلی مندرج مواد (۳۰، ۳۱ و ۳۲) بلافاصله در مورد تأیید، رد و یا الغای آن تصمیم اتخاذ نماید.

^{۳۵} ماده ۸ بند ۴ قانون اجراءات جزائی موقت: فیصله نهائی: خارنوال ابتدائیه فیصله های نهائی را در معرض تطبیق قرار می دهد؛ به این منظور محکمه مرافعه و ستره محکمه فیصله اتخاذ شده را با اسناد و اشیای ضبط شده دوباره به خارنوالی ابتدائیه ارسال می نماید. فقره (۱۳) ماده (۲۲) قانون تشکیل و صلاحیت خارنوالی.

^{۳۶} ماده ۷ بند ۴ قانون منع خشونت علیه زن "خارنوالی و محکمه ملکف اند قضیه خشونت را در اولویت قرار داده و به اسرع وقت رسیدگی نمایند.

^{۳۷} ماده (۱۲) قانون تشکیل و صلاحیت های خارنوالی: وظایف و صلاحیت های خارنوالی... (۲) دفاع از حقوق سیاسی، حق کار و سایر حقوق و آزادی های اتباع مندرج در قانون اساسی و سایر اسناد تقنینی... (۴) نظارت از تطبیق و رعایت یکسان قوانین در اجراءات ادارات مرکزی و محلی موسسات دولتی، مختلط و خصوصی، احزاب سیاسی سازمان های اجتماعی مسئولین امور و اتباع... (۱۳) نظارت از تطبیق و تنفیذ تصامیم محکمه.

محکوم شدند و یا اینکه مجنی علیها نیز محکوم به ارتکاب "جرایم اخلاقی" شدند.^{۳۸} آموزش بیشتر خانونالان از سطح ولسوالی الی سطوح بالایی و تداوم نظارت توسط لوی خانونالی می-تواند تطبیق مؤثرتر این قانون را مخصوصاً برای تعقیب عدلی جرایم شدید خشونت علیه زنان، افزایش دهد. یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر همچنان ملاحظه نموده است که بعضی خانونالی های استیناف نیز آگاهی از قانون منع خشونت علیه زن را با تصحیح نواقص کار خانونالان ابتدائیه و با به کار بردن قانون مذکور به شمول استناد به آن در قضایای ذیل، از خود تبارز داده‌اند:

- پولیس ولسوالی در ولسوالی شهر بزرگ، ولایت بدخشان، شکایت یک خانم ۲۲ ساله را که حاکی از لت و کوب وی توسط شوهر و خانواده شوهرش بود، مورد بررسی قرار دادند. خانونالی بررسی‌اش را تکمیل و قضیه را به محکمه ولسوالی فرستاد که مرتکبین را تنها مبلغ ۱,۰۰۰ افغانی (۲۲ دالر امریکایی) جریمه نقدی نمودند. خانونالی استیناف ولایت بدخشان حکم متذکره را مطابق با ماده ۲۳ قانون منع خشونت علیه زن (لت و کوب) مورد اعتراض قرار داد که براساس آن در ۲۲ میزان ۱۳۹۰، (۱۲ سپتمبر ۲۰۱۱) محکمه استیناف، شوهر زن شاکی را به سه ماه حبس محکوم نمود.^{۳۹}
- در ولایت دایکندی، خانونالی استیناف ولایت حکم محکمه ابتدائیه مبنی بر محکومیت دو دختر نابالغ به جرم زنا را با استناد به مواد ۳ و ۱۷ قانون منع خشونت علیه زن مورد اعتراض قرار داد اما محکمه استیناف ولایت برخلاف ادعای خانونالی حکم صادر کرد.^{۴۰} هر دو دختر مذکور مورد تجاوز جنسی یک ملا امام شصت ساله قرار گرفته بودند که در نتیجه آن حامله شده بودند.

ولایت هرات: استفاده روز افزون از قانون منع خشونت علیه زن

خانونالی ولایت هرات نخستین نهادی بود که قانون منع خشونت علیه زن را مورد تطبیق قرار داد. ۲۶ قضیه را از تاریخ تنفیذ این قانون (۱۰ اسد ۱۳۸۸) الی اول سال ۱۳۸۹ و ۶۸ قضیه^{۴۱}

^{۳۸} نظارت و بررسی قضایای انفرای خشونت علیه زنان توسط یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در سراسر

افغانستان، حمل ۱۳۸۹ - میزان ۱۳۹۰

^{۳۹} جوابیه دفتر خانونالی استیناف ولایت بدخشان به دفتر یوناما در حمل ۱۳۸۹

^{۴۰} گفتگوی یوناما بایکی از خانونالان خانونالی استیناف ولایت دایکندی، مورخ ۱۷ اسد ۱۳۸۹. برای مشاهده قضیه به بخش "تطبیق قانون توسط محاکم" قسمت قضایا مراجعه نمایند.

^{۴۱} مصاحبه ی یوناما با رئیس خانونالی هرات، مورخ ۱۳۹۰/۰۳/۲۴ (۲۴ می ۲۰۱۱ میلادی). برخلاف سایر خانونالی های که یوناما از آنها بازدید نموده، خانونالی هرات تمام قضایای ثبت شده را جهت تعقیب عدلی به محاکم فرستاده است. شاید این بدان مفهوم باشد که قضایای که ثبت و بعداً از آنها صرف نظر صورت گرفته در جای دیگری ثبت شده است.

دیگر را در سال ۱۳۸۹ به محاکم ارجاع نموده است. محاکم در ولایت هرات (محکمه شهری) در ۳۵ قضیه خشونت علیه زنان قانون مذکور را مورد استفاده قرار داده است. رئیس خارنوالی هرات این رقم درشت را به هماهنگی موثر بین نهاد های مربوطه، موثریت برنامه های آموزشی برای خارنوالان ولایت هرات توسط سازمان بین المللی انکشاف حقوقی (IDLO) و اجراءات خوب خارنوالان در این ولایت نسبت داد.^{۴۲}

از جمله مثال های خوب تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارنوالان هرات یکی هم تعقیب عدلی موظفین پولیس در محکمه نظامی به جرم تجاوز بر یک دختر ۱۵ پانزده ساله می- باشد. چهار تن از مؤظفین پولیس به تاریخ ۱۳۸۹/۰۲/۱۱ (۳۱ اپریل ۲۰۱۰) دختر مذکور را در ولسوالی غوریان ولایت هرات در حالی مورد تجاوز جنسی قرار دادند که نامبرده برای جلوگیری از ازدواج اجباری از خانه فرار نموده و به سوی شهر هرات میرفت. خارنوالی برای موظفین پولیس طبق ماده ۱۷ قانون منع خشونت علیه زن و ماده ۴۲۹ قانون جزاء خواستار مجازات گردید. باوجود اینکه قانون منع خشونت علیه زن برای مرتکب تجاوز بر زن نابالغ حبس دوام پیش بینی کرده است، اما محکمه نظامی عاملین قضیه را به ۱۲ الی ۱۴ سال حبس محکوم نمود. محکمه استیناف نظامی نیز آنها را به تاریخ ۱۰ آگوست ۲۰۱۰ محکوم نمود ولی در مدت حبس آنها را به ۶ الی ۸ سال کاهش داد.^{۴۳}

در قضیه دیگر، خارنوالان این ولایت ماده ۲۲ قانون منع خشونت علیه زن و ماده ۳۹۵ قانون جزاء را جهت محاکمه عاملین دو فقره قتل، به کاربردند. دو خواهر در سنین ۱۵ و ۱۷ ساله به تاریخ ۱۳۸۹/۰۴/۱۴ (۵ جولای ۲۰۱۰ میلادی) در ولسوالی کرخ ولایت هرات به قتل رسیدند. طبق گزارش ها، دختر ۱۷ ساله از ازدواج با مردی که خانواده وی برایش انتخاب نموده بودند، ابا و ورزیده بود. پنج تن به شمول افرادی از خانواده ای که قرار بود خسر خیل آینده باشند و دو تن دیگر بر این دو دختر حمله نموده و آنها را به قتل رسانیدند. پولیس این پنج تن را به تاریخ ۱۳۸۹/۰۷/۲۳ (۱۵ اکتوبر ۲۰۱۰ میلادی) دستگیر نمود. محکمه استیناف سه تن از آنان را برائت دادند ولی شوهر و فردی را که قرار بود خسر آینده مقتول باشد، به ۱۶ سال حبس محکوم نمود.^{۴۴}

در ولایت هرات اکثریت قضایای که براساس قانون منع خشونت علیه زن ثبت و تعقیب عدلی گردیده بیشتر قضایای لت و کوب می باشند. ما بقی آن شامل: ضرب و جرح مطابق ماده ۲۲

^{۴۲} همان

^{۴۳} مصاحبه یوناما با رئیس خارنوالی نظامی ولایت هرات، مورخ ۱۳۹۰/۰۱/۲۹ (۱۸ اپریل ۲۰۱۱ میلادی).

^{۴۴} مصاحبه یوناما با مسئول بخش قتل و جرح سارنوالی امنیت عامه، خارنوالی ولایت هرات، مورخ ۱۳۹۰/۰۳/۰۳ (۲۴ می ۲۰۱۱ میلادی).

(تقریباً ۱۰ درصد)، دشنام، تحقیر و تهدید مطابق ماده ۲۹ (تقریباً ۶ درصد) و قتل در اثر ارتکاب جرایم مندرج در قانون مذکور (تقریباً ۶ فیصد)، میباشد. در حال حاضر زود است که گفته شود که تلاش‌های پیگیر مقامات ولایت هرات در راستای تطبیق قانون منع خشونت علیه زن منتج به کاهش خشونت علیه زنان گردیده است. آمار و ارقام معتبر و دقیق در مورد تعداد قضایا در دسترس نیست و تجارب جهانی نشان می‌دهد که افزایش آگاهی از حقوق منتج به افزایش میزان گزارش دهی قضایا نیز می‌گردد. با این حال، مطالعه دقیق‌تر اوضاع در ولایت هرات ممکن معلومات مفید را برای تلاش‌های ملی جهت رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان فراهم نماید.

خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان

خارنوالی اختصاصی در جدی ۱۳۸۹ (مارچ ۲۰۱۰) با صلاحیت بررسی و پیگرد قضایای خشونت در برابر زنان، و حمایت و کمک به متضررین در تمامی مراحل، گشایش یافته و در جوزای ۱۳۸۹ (جون ۲۰۱۰) شامل تشکیل (چوکات رسمی دولت) لوی خارنوالی گردیده و اکنون دارای ۱۱ خارنوال و ۱۱ مامور دیگر می‌باشد.

خارنوالی اختصاصی می‌تواند قضایایی را از سایر نقاط کشور نیز دریافت کند، اما قریب به اتفاق کارهای این واحد مربوط به شهر و ولسوالی‌های کابل می‌شود که مرجع اول برای رسیدگی به موارد جرمی این بخش‌ها بشمار می‌آید.^{۴۵} با آنکه این واحد ۲۸۵ قضیه را از کابل در سال ۱۳۸۹ (مارچ ۲۰۱۰ الی مارچ ۲۰۱۱) ثبت نموده، ولی تنها ۲۱ قضیه را به محاکم در این سال ارجاع نموده است. از جمله ۲۸۵ قضیه مربوط به شهر کابل، ۷۶ قضیه را متضررین آن مطابق به ماده ۳۹ انصراف دادند.^{۴۶} در بسیاری موارد دیگر دیده شده است که عارض شکایت خویش تعقیب نموده و به این اداره دوباره رجوع نکرده است.^{۴۷}

معاون لوی خارنوالی در امور تحقیقات جنایی به یوناما/کمیشری عالی ملل متحد برای حقوق بشر گفت دلیل اینکه تعداد اندک قضایای خشونت علیه زنان مورد پیگرد عدلی قرار گرفته‌اند، اینست که، بیش از ۷۰ درصد از این قضایا که اکثراً جرایم سبک و از نوع قباحت و جنحه

^{۴۵} بعضی اوقات پولیس کابل قضایای مربوط به قانون منع خشونت علیه زن را به دفاتر خارنوالی‌های دیگر ارجاع می‌کند که آنها همواره قضایای مذکور را به خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان می‌فرستند. زمانیکه عارضین از ولایات دیگر مراجعه می‌نمایند، این واحد یک بررسی ابتدایی را انجام میدهد (مثل گفتگو با خود متضرر یا عارض، گرفتن اظهارات وی، فرستادن متضرر برای معاینه صحی و تهیه یک دوسیه اولیه) و بعد دوسیه را به همان ولایت یا ولسوالی ارسال می‌کند که واقعه در آنجا صورت گرفته است.

^{۴۶} معلومات از بانک معلوماتی خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، توسط بنیاد بین المللی انشکاف حقوقی در ثور ۱۳۹۰ (می ۲۰۱۱) در میان گذاشته شد.

^{۴۷} مصاحبه ای یوناما با خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، مورخ ۲۲ جوزای ۱۳۹۰ (۱۲ جون ۲۰۱۱)

سبک بوده‌اند یا به خاطر انصراف و یا حل و فصل آن از طریق میانجیگری حفظ می‌گردد.^{۴۸} تعداد زیاد باقیمانده این قضایا موضوعات دعاوی مدنی و درخواست طلاق می‌باشد که به محکمه فامیلی ارجاع می‌گردد. تنها یک رقم کمی از قضایای خشونت در برابر زنان که از جمله جرایم شدید می‌باشند باقی می‌ماند که مورد پیگرد عدلی قرار می‌گیرند. او میزان بلند میانجیگری یا منصرف شدن زنان از پیگیری شکایات شان را به عنعنات و رسوم افغانی نسبت داد.^{۴۹}

وکلای مدافع چندین سازمان در گفتگویی با یوناما اظهار داشتند که خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان بیشتر ترجیح می‌دهند تا قضایا را از طریق میانجیگری حل و فصل کنند. یک تن از وکلای مدافع زن گفت که "برای حفظ شیرازه خانواده تمامی قضایا نباید مورد پیگرد عدلی قرار گیرند. خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان یک اهرم فشار خوب برای آوردن شوهر به میز مصالحه می‌باشد. بخاطر ترس از پیگرد عدلی، آنها نظریاتی را که از سوی این واحد برای مصالحه ابراز می‌شود، می‌پذیرند"^{۵۰}. یکی دیگر از وکلا اظهار داشت که "برخی از خانم‌ها شکایت می‌کنند اما نمی‌خواهند جدا شوند و همینطور نمی‌خواهند که شوهر یعنی یگانه نان آور خانواده خود را در زندان ببینند از این جهت آنها نیز تن به مصالحه می‌دهند"^{۵۱}. یکی دیگر از این مساعدین حقوقی به یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر گفت: "زمانیکه ما در آنجا یعنی خارنوالی اختصاصی می‌رویم، سه قضیه یا بیشتر قضایا را در عین زمان مشاهده می‌کنیم که به خارنوالی ارجاع شده است ولی اکثراً قضایای لت و کوب یا منازعات عادی می‌باشد که از طریق میانجیگری بین زن و شوهر حل و فصل می‌گردند".

یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر به این نظر است که لوی خارنوالی به کمک جامعه بین المللی - در صورت درخواست - کارکرد های خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان را ارزیابی نماید. میزان پایین پیگرد قضایا و میزان بالای منصرف شدن از قضایا را بررسی نمایند تا معلوم شود که آیا تغییرات در رسیدگی به شکایات نیاز است؟ این ارزیابی به دلیل تاسیس قریب الوقوع واحدهای دیگر در شش ولایت یعنی بلخ، کندز، ننگرهار، پکتیا، پروان و کاپیسا با کمک سازمان بین المللی انکشاف حقوقی، خیلی مهم می‌باشد.^{۵۲}

^{۴۸} جنایت، جنحه و قباحت براساس مدت محکومیت یا حبس، تعریف گردیده است

^{۴۹} گفتگوی یوناما با آقای نورحیب جلال معاون لوی خارنوالی در امور تحقیقات جنائی، مورخ ۱۹ اسد ۱۳۹۰ (۱۰ آگست ۲۰۱۱).

^{۵۰} گفتگوی یوناما با میدیکا-افغانستان، مورخ ۱۲ اسد ۱۳۹۰ (۳ آگست ۲۰۱۱).

^{۵۱} گفتگوی یوناما با سازمان قانون گوشته، مورخ ۱۲ اسد ۱۳۹۰ (۳ آگست ۲۰۱۱).

^{۵۲} بیانیه مطبوعاتی سازمان بین المللی انکشاف حقوقی مورخ ۲۸ سنبله ۱۳۹۰ امضاء یک تفاهمنامه با لوی خارنوالی افغانستان را اعلان داشت که بر اساس این تفاهمنامه سازمان مذکور اظهار آمادگی کرده بود که از شش کمیسیون مبارزه با

خارنوالان در خارنوالی اختصاصی مبارزه باخشونت علیه زنان قضایا را تا سطح محکمه استیناف بررسی و پیگیری می‌نمایند، مرحله تمیز خواهی به ستره محکمه را ریاست خارنوالی جزای عمومی پیش می‌برد که خارنوالان این ریاست نسبت به خارنوالان خارنوالی اختصاصی کمتر با قضایای خشونت در برابر زنان آشنایی دارند.^{۵۳} نظر یوناما این است که لوی خارنوالی باید صلاحیت پیگیری تمامی قضایای خشونت علیه زنان را که به ستره محکمه می‌رسد، به این واحد تفویض نماید.

سارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان برخی از پیگیری های خود را با یوناما/دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر شریک ساخت که به شمول موارد ذیل می‌باشد.^{۵۴}

- قوماندان امنیه ولسوالی میربچه کوت ولایت کابل قضیه خودکشی یک دختر ۲۱ ساله را به خارنوالی اختصاصی مبارزه باخشونت علیه زنان راجع نمود. علایم در پای و صورت این خانم این را ثابت می‌ساخت که وی در پی یک خشونت خانواده‌گی خود را کشته است. پس از تحقیقات ابتدائی، پولیس برادر شوهر خانم مذکور را دستگیر نمود. خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان مطابق ماده ۲۱ قانون منع خشونت علیه زن بروی اتهام وارد نمود. شخص مرتکب از سوی محکمه ابتدائیه براءت حاصل نمود، اما خارنوال به تاریخ ۱۴ جدی ۱۳۸۹ (۳ جنوری ۲۰۱۰) استیناف طلب شد و به تاریخ ۱۸ ثور ۱۳۹۰، (۲۸ مارچ ۲۰۱۱) شخص مذکور از سوی محکمه استیناف مقصر دانسته شد و برای مدت سه سال محکوم به حبس گردید.
- به تاریخ ۲۰ حمل ۱۳۸۹، خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان شکایت را از یک دختر ۱۸ ساله از شهر کابل دریافت نمود که در آن شاکی مدعی شده بود که شوهرش وی را موردت و کوب شدید قرار داد. مرتکب به جرم خویش اعتراف نمود. به تاریخ ۲۵ ثور ۱۳۹۰، خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان با استناد به ماده ۲۳ قانون منع خشونت علیه زن دوسیه را به یک محکمه ابتدائیه در شهر

خشونت علیه زنان حمایت‌های آموزشی و مربیگری به عمل می‌آورد. قرار شده است که زمانیکه این کمیسیون‌ها در تشکیل سال آینده اداره لوی خارنوالی ادغام میگردد، به واحدهای اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان ارتقاء پیدا کنند. این برنامه توسط اداره بین المللی تنفیذ قانون و مواد مخدر وزارت خارجه ایالات متحده امریکا (INL) حمایت می‌شود.^{۵۳} در ثور ۱۳۹۰ (می ۲۰۱۱) یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر دو قضیه ای را بررسی و نظارت نمود که در آن ستره محکمه تصمیم محاکم استیناف در قسمت قربانیان تجاوز جنسی دسته جمعی که متضمن محکومیت آنها به جرم "زنا" نیز بود مورد تایید قرار داد. توجه به رسیدگی قضایا در بالاترین سطح توسط خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان میتواند در بهتر شدن حل و فصل قضایای خشونت علیه زنان کمک نماید.^{۵۴} گفتگوی یوناما باخارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، ثور ۱۳۹۰ (می ۲۰۱۱).

کابل فرستاد. محکمه شوهر این خانم را مطابق به ماده ۲۳ قانون منع خشونت علیه زن به دو ماه حبس محکوم نمود.

۳.۳- تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط محاکم

یوناما/دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر دریافته است که خائرنوالی ها قانون منع خشونت علیه زن را نسبت به محاکم با میل بشتر تطبیق نموده است. در حالیکه دفاتر خائرنوالی در ۲۸ ولایت قضایای خشونت علیه زن را ثبت نموده، محکمه ابتدائیه در مرکز ولایت یعنی محکمه شهری تنها در ۱۴ ولایت^{۵۵} این گونه قضایا را با استفاده از احکام قانون منع خشونت علیه زن مورد رسیدگی قرار داده که مجموعاً ۱۰۱ قضیه از ۱۵۵ قضیه ارجاع شده به محاکم توسط خائرنوالی ها در سال ۱۳۸۹، میباشد. بعضی از قضایا توسط شاکی مورد انصراف قرار گرفتند و بعضی از قضایا در هنگام پیمایش (سروی) در التوا قرار داشتند. در برخی موارد، قضات اتهامات وارده از سوی خائرنوالان را تعدیل و درخواست خائرنوالان را برای تطبیق قانون منع خشونت علیه زن رد نمودند و وصف جرمی دیگر را به عمل جرمی نسبت داده و در عوض قانون جزاء یاسایر قوانین افغانستان را به کاربردند.^{۵۶} در دو قضیه که در ذیل ذکر میگردد، زنان قربانی خشونت علیه زن، نیز به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی" محکوم گردیده اند.

- به گونه مثال، در ولایت بامیان در یک قضیه که از نزدیک توسط یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر نظارت گردید، خائرنوال مؤظف بر اساس ماده ۱۷ قانون منع خشونت علیه زن اتهام تجاوز دسته جمعی را علیه سه متهم وارد نمود اما قاضی محکمه شهری ولایت بامیان اتهام وارده را تغییر داد و به عمل جرمی مذکور وصف جرمی "زنا" داد و متضرر را نیز در جمع متهمین در آورد. محکمه استیناف و سرانجام ستره محکمه حکم زنا را بالای همه تایید نموده، دختر شانزده ساله (قربانی تجاوز جنسی) را به یک سال حبس و سه مرد متهم را به حبس های مختلف الی سه سال محکوم نمود.^{۵۷}

^{۵۵} ولایت بلخ، بامیان، فراه، فاریاب، هلمند، هرات، جوزجان، کابل، کنر، لوگر، ننگرهار، پکتیا، پنجشیر، و تخار
^{۵۶} مطابق ماده ۵۷ قانون اجراءات جزایی موقت در قضایای جزایی، خائرنوال یک قضیه را به استناد مواد مرتبط قوانین که توسط فعل متهم ظاهراً نقض شده اند، ترتیب داده و حاله محکمه می نماید و مطابق آن مواد خواهان اعمال مجازت معین علیه متهمین از محکمه میشود. هرچند، محکمه ممکن توافق نکند و ماده دیگر و حتی قانون دیگر را به اساس اسناد، مدارک و دلایل طرفین تطبیق کند.

^{۵۷} بررسی قضیه توسط دفتر یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر، میزان ۱۳۸۹ الی ثور ۱۳۹۰

• همچنان، با وجود برخی تلاش‌های دفاتر خارنوالی، محکمه ولایت دایکندی قانون منع خشونت علیه زن را تا حال تطبیق نکرده است. در یک قضیه، یک ملای شصت ساله متهم به تجاوز جنسی بر دو دختر ۱۴ ساله و ۱۵ شده بود. والدین دختران مذکور آنها را برای درس خواندن نزد این ملا فرستاده بودند. زمانیکه قضیه به تاریخ ۱۰ حوت ۱۳۸۸ (۲۱ مارچ ۲۰۰۹) گزارش گردید، متضررین هفت ماه و هشت ماه باردار بودند. هر دو دختر در اوایل می گفتند که ملای مذکور آنها را فریب داده و به آنها دوا داده بود. بعد، این حقایق بیشتر مغشوش گردید. یکی از این دختران گفت که او بصورت پنهانی با ملا ازدواج کرده و ملا نیز آن را پذیرفت، اما نتوانست ثبوت ارائه نماید. مقامات تنفیذ قانون ملای مذکور را بازداشت نمودند و او را مطابق به ماده ۱۷ قانون منع خشونت علیه زن متهم به تجاوز جنسی ننموده بلکه متهم به زنا و هتک حرمت به تقدس و منزلت مسجد نمودند. همچنان خارنوالی شهری هر دو دختر را به اتهام زنا بازداشت کردند و آنها را به زندان زنانه در نیلی فرستادند هر دو دختر مذکور در جریان که تحت توقیف بودند وضع حمل نمودند. محکمه شهری ملای مذکور را مطابق قانون جزاء محکوم به ۱۲ سال حبس به دلیل ارتکاب "جرم زنا" نمود و هر دو دختر را نیز به دلیل ارتکاب "جرم زنا" هر کدام به ۶ و ۴ سال حبس محکوم نمودند. هر چند، خارنوال استیناف با این حکم مخالفت نمود و اظهار داشت که مواد ۳ و ۱۷ قانون منع خشونت علیه زن باید تطبیق گردد، اما محکمه استیناف آن را رد نمود. این محکمه ملا را تنها به اتهام ارتکاب زنا محکوم نمود و محکومیت او را به هشت سال کاهش داد، دختری را که ادعای ازدواج با ملا را کرده بود محکوم به حبس برای مدت سپری شده در توقیف خانه و دختر دیگر را به چهار سال حبس محکوم نمود. در ۲۸ جدی ۱۳۸۹، (۱۷ جنوری ۲۰۱۰) ستره محکمه فیصله محکمه استیناف را تایید نمود. اگر ملای مذکور مطابق قانون منع خشونت علیه زن محکوم می گردید، این دو دختر بازداشت و محکوم نمی گردیدند. هر دو قضیه در نهایت با ازدواج زیر سن قانونی به پایان رسیدند، یکی از آنها با یک مرد که در مقام امین قرار داشت و او را مورد تجاوز جنسی قرار داده بود (ملای مذکور)، ازدواج نمود.^{۵۸}

در برخی از ولایات، یوناما/کمیشری عالی ملل متحد برای حقوق بشر مواردی را دریافته است که در آن قضات قانون مذکور را به طور مناسب تطبیق نموده است.

^{۵۸} نظارت یوناما از قضیه، حوت ۱۳۸۸ الی جدی ۱۳۸۹ (مارچ ۲۰۱۰ الی جنوری ۲۰۱۱)

• در یک قضیه در میزان ۱۳۸۹، (اکتوبر ۲۰۱۰) محکمه شهری ولایت تخار یک زن را که همسر دوم شوهرش را با اذیت و آزار جسمی و ذهنی به خودکشی مجبور نموده بود، محکوم نمود. در حمل ۱۳۸۹، (اپریل ۲۰۱۱) محکمه شهری طالقان او را مطابق ماده ۲۱ قانون منع خشونت علیه زن به ۱۰ سال حبس محکوم نمود. محکمه استیناف نیز ماده ۲۱ را تطبیق نمود ولی در آن حالت مخففه در نظر گرفت و محکومیت او را به پنج سال و شش ماه کاهش داد.^{۵۹}

• به تاریخ ۹ حمل ۱۳۹۰، (۳۰ مارچ ۲۰۱۱) محکمه ولسوالی در ولایت جوزجان یک سرباز پیشین اردوی ملی را به دلیل مجبور نمودن همسرش به فحشاء محکوم نمود. این سرباز بخاطر عدم توانایی تامین مخارج زندگی، به خانمش گفته بود تا با صاحب زمین‌شان برای پرداخت کرایه منزل عمل مقاربت جنسی را انجام دهد. خانمش این درخواست شوهرش را رد و قضیه را گزارش داد. شوهرش نیز به عمل خود اقرار نمود و به سه سال زندان محکوم گردید که سپس محکمه استیناف محکومیت اش را به هفت سال افزایش داد.^{۶۰}

• محکمه شهری گردیز در ولایت پکتیا قانون منع خشونت علیه زن را در دو قضیه، به شمول محکومیت یک مرد مطابق ماده ۲۱ به دلیل مرگ همسرش از اثر خودسوزی تطبیق نمود. به تاریخ ۸ حمل ۱۳۸۹، (۲۹ مارچ ۲۰۱۰) این خانم پس از آنکه شوهرش او را اجازه اشتراک در محفل ازدواج برادرش نداد، خود را آتش زد. شوهرش او را در شفاخانه در شهر کابل انتقال داد که سپس در آن جا فوت نمود. محکمه استیناف این محکومیت را تایید نمود و این مرد به هفت سال زندان محکوم گردید.^{۶۱}

ستره محکمه

با وجود آنکه ستره محکمه از تدویر برنامه‌های آموزشی راجع به قانون منع خشونت علیه زن حمایت و قضاات آن در آن برنامه‌ها اشتراک نموده‌اند، اما رهنمودهای مشخصی را در مورد تطبیق این قانون به محاکم تابعه‌اش صادر ننموده است. در جلسه‌ای با یوناما،^{۶۲} قاضی القضاات

^{۵۹} جوابیه رئیس خازنوالی دیوان جزای ولایت تخار به یوناما، حمل ۱۳۹۰.

^{۶۰} جوابیه رئیس دیوان جزای محکمه استیناف ولایت جوزجان به واحد حقوق بشر یوناما، حوت ۱۳۸۹.

^{۶۱} گفتگوی یوناما با محکمه شهری گردیز، مورخ ۴ ثور ۱۳۹۰ (می ۲۰۱۱).

^{۶۲} ۱۵ حمل ۱۳۹۰.

تایید نمود که خشونت در برابر زنان در افغانستان خیلی گسترده است و آگاهی از قانون منع خشونت علیه زن به طور کافی وجود ندارد.

به تاریخ ۲ سنبله ۱۳۸۹ شورای عالی ستره محکمه طی "مصوبه شماره ۵۷۲"۶۳ خویش رهنمود را راجع به چگونگی رسیدگی به قضایای "فرار از منزل" صادر نمود. مطابق رهنمود مذکور محاکم باید ارزیابی نماید که فرار کننده مجرد می باشد یا متأهل و علت وانگیزه فرار چه بوده و به کجا فرار نموده است؛ به خانه اقارب یا اجنبی. مطابق این رهنمود اگر یک زن به خاطر نجات از ظلم و خشونت اعضای خانواده اش فرار میکند و به خانه اقارب خویش یا محارم شرعی خویش می رود و یا به مراجع عدلی مراجعه میکند، مستوجب مجازات نمی باشد. در این مصوبه شورای عالی ستره محکمه می نویسد: اگر فرار به خانه اجنبی صورت گرفته باشد اگرچه انگیزه فرار ناشی از ظلم و شکنجه اعضای فامیل باشد ولی ازاینکه فرار کننده به مراجع عدلی و امنیتی مراجعه نکرده به جای نا مناسب متوسل گردیده و این عمل میتواند باعث بروز جرایم و محظورات شرعی مانند زنا و فحشا گردد، که شورای عالی ستره محکمه آنرا غیرقانونی و مطابق شریعت ممنوع و قابل تعزیر دانسته است.

رهنمود ظاهراً یک اقدام مثبت علیه رویه معمول دستگیری دختران که به فرار از منزل متوسل میشوند به نظر میرسد، اما تحلیل و مطالعه دقیق نشان میدهد که محاکم ماده ۱۳۰ قانون اساسی (که به محاکم اجازه میدهد در موارد که در قوانین افغانستان راجع به یک قضیه هیچ حکم مشخص وجود نداشته باشد، احکام فقه حنفی را تطبیق نماید) را برای توجیه یک رسم و عنعنه که آزادی رفت و آمد زنان را محدود میسازد و در شریعت هیچ اساس ندارد، مورد استفاده قرار میدهند.

به تاریخ ۱۴ سنبله ۱۳۹۰ دفتر یوناما کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر مکتوب از ستره محکمه دریافت نمود که در آن ریاست تدقیق و مطالعات ستره محکمه رویکرد گزارش یوناما (گزارش عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان) به موضوع فرار از منزل دختران و زنان و برداشت دفتر یوناما/ کمیشنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر از رهنمود اگست ۲۰۱۰ ستره محکمه در رابطه به قضایای مذکور را زیر سوال قرار داده است. در این مکتوب ستره محکمه استدلال نموده است که "مجازات برای جلوگیری از احتمال اضرار اصل شرعی و حقوقی دارد ... ولی جلوگیری از آمیزش غیر محارم و جلوگیری از فساد اخلاقی و اضرار بی عفتی در این قضیه در صدر توجه قرار دارد. موضوع تساوی جنیست یا عدم تبعیض جنسی یک موضوع مطلق نیست بلکه استثنایات مشهور و متعارف در نظام های

^{۶۳} مصوبه شماره ۵۷۲ در مکتوب مورخ ۲۷ اگست ۲۰۱۰ صادر شده از طرف ریاست دارالانشای شورای عالی ستره محکمه در جواب به استهدای سازمان بین المللی انکشاف حقوقی که دربارهٔ مبنی حقوقی دستگیری و تعقیب عدلی به اتهام "فرار از منزل" توضیح خواسته بود، نقل قول گردید. این رهنمود در روزنامه اصلاح ۳ سنبله نیز نشر گردیده است.

حقوقی تمام کشورها دارد به عنوان مثال منع اشتغال زنان در کارهای زیر زمینی و یا کارهای ثقیله و یا منع زنان از اشتغال با کارهای شبانه که به سطح جهانی پذیرفته شده است از مسائل و استثنای است که هرگز به تساوی زن و مرد در برابر قانون صدمه نمی زند.^{۶۴} ستره محکمه به ماده ۳ قانون اساسی اشاره نموده که می گوید: "در افغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد."^{۶۴} در حالیکه یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر از گفتگوی ستره محکمه پیرامون این مسائل مهم استقبال میکند، به این نظر است که این مسئله مستلزم توجه، مطالعه و مباحثه بیشتر به منظور حمایت کامل از حقوق زنان میباشد. مهم ترین اقدام ستره محکمه در پیوند با قانون منع خشونت علیه زن عبارت از فیصله مورخ ۴ اسد ۱۳۹۰ شورای عالی ستره محکمه است که در آن، ماده ۴۲ قانون منع خشونت علیه زن را به دلیل اینکه عفو و تخفیف محکومیت‌های اشخاص مرتکب جرایم مندرج در قانون منع خشونت علیه زن را ممنوع کرده بود، ملغی اعلان نمود. شورای عالی ماده متذکره را با اختیارات رئیس جمهور مندرج در قانون اساسی در تعارض یافتند و چنین بیان نمودند: "شورای عالی ستره محکمه همچنان در قبال استهدایی مبنی بر این که ماده ۴۲ قانون منع خشونت علیه زن محدودیتی را در تطبیق فرامین عفو و تخفیف مجازات مقام عالی ریاست جمهوری ایجاد نموده، تصریح کرد که موضوع عفو و تخفیف مجازات محبوسین نظر به حکم قانون اساسی کشور از جمله صلاحیت‌های رئیس جمهور بوده که می‌تواند به هر شکلی آنرا اعمال نماید، بنابر این ماده فوق در قانون منع خشونت علیه زنان خلاف قانون اساسی بوده، نمی‌تواند قانون اساسی را مقید نماید. بناء ملغی و غیر قابل تنفیذ میباشد."^{۶۵}

۶۴ در ۱۴ سنبله ۱۳۹۰ (۵ سپتامبر ۲۰۱۱) یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر مکتوب را از ستره محکمه دریافت نمود در آن محکمه ضمن تقدیر از این دفتر برای انتشار گزارش عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان مینویسد: "با آنکه عنعنات ناپسند از قرون متمادی بحیث یک میراث کهن دامنگیر مردم افغانستان می-باشد که نمی‌توان به آسانی و به زودی از آن‌ها رهایی یافت مگر محتوای کتاب برای روشن ساختن اذهان مردم اعم از زن و مرد و فراهم شدن تدریجی زمینه‌های مطلوب بسوی یک تغییر مثبت نقش مهم خواهد داشت." در همان نامه، ستره محکمه رویکرد گزارش یوناما به موضوع فرار از منزل دختران و زنان و برداشت دفتر یوناما/کمیسنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر از رهنمود اگست ۲۰۱۰ ستره محکمه در رابطه به قضایای مذکور را مورد سوال قرار داده است. رهنمود مذکور ضمن دیگر مسائل میگوید اگر یک زن (مجرد یا متاهل) حتی برای "فرار از آزار و اذیت" به یک جایی پناه می‌برد که خانه یکی از اقارب و محارم وی و یا یک نهاد عدلی و قضائی نباشد، این کار وی "ممنوع و قابل تعزیر می‌باشد" چون این کار "می‌تواند عوامل بروز محظورات شرعی مانند زنا و فحشا گردد".

۶۵ فیصله ستره محکمه را که به زبان دری نوشته شده، می‌توانید در این صفحه بیابید
<http://supremecourt.gov.af/fa/news/۲۵۳۸>

۳. ۴- تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط پولیس در افغانستان

پولیس ملزم به تامین امنیت قربانیان خشونت و ارائه معلومات در مورد حقوق آنها و خدماتی است که برای شان وجود دارد. منعیث اولین ارگانی که اکثر زنان قربانی خشونت به آن مراجعه میکنند، پولیس اظهارات متضررین را می‌گیرد و گزارش مقدماتی خود را که حیاتی می‌باشد در مورد اوضاع و احوال می‌نویسد. اینکه چگونه آنها با حساسیت و دلسوزی، یا تغافل و تعصب پاسخ می‌دهند، مسیر اجراآت بعدی را جهت حصول نتایج تعیین می‌کند. سنجش تنفیذ قانون منع خشونت علیه زن توسط پولیس نسبت به خانونالی و محاکم مشکل‌تر است. ثبت قضایای خشونت علیه زنان توسط پولیس ثابت نیست و معمولاً به طور دقیق با جرایمی که در قانون منع خشونت علیه زن تعریف گردیده، مطابقت ندارد؛ به گونه مثال، قضایا تحت عنوان خشونت‌های خانواده‌گی یا اختلافات فامیلی ثبت می‌گردند و یا تعداد زیادی قضایا حتی ثبت نمی‌گردد.

یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر، ۱,۲۱۱ شکایات خشونت علیه زنان را که پولیس آن را بین اول حمل ۱۳۸۹ تا ۲۹ حوت ۱۳۸۹ ثبت نموده، دریافته است.^{۶۶}

واحد پاسخ دهی به خشونت‌های خانوادگی

یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر دریافته است که پولیس در ولایاتی که واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی وجود دارد و اکثریت اعضای آنها زنان‌اند، شکایات بیشتری را دریافت می‌نمایند و احتمال اقدام بر اساس آن بیشتر است. توسعه این واحد، که نه کاملاً بلکه اکثراً متشکل از زنان پولیس است، می‌تواند در بهتر شدن پیگیری قضایات خشونت علیه زن توسط پولیس کمک کند. این واحد ۳۵۵ مامور تحقیق دارد که در ۱۴۸ دفتر در سراسر افغانستان فعالیت می‌نمایند. اکثریت کارمندان این واحد در ولایات، سواد کافی ندارند و در رابطه به چگونگی رسیدگی به قضایای خشونت علیه زن آموزش به خصوصی هم ندیده‌اند.^{۶۷} واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی بخشی از ریاست تحقیقات جنایی است که از لحاظ نظری اعضای آن می‌توانند در بررسی قضایای خشونت علیه زنان اشتراک نمایند، اما تنها تعداد کمی از فرماندهان این ریاست از این روند حمایت می‌کنند.^{۶۸} این واحدها بیشتر اختلافات و خشونت‌های خانواده‌گی را حل و فصل و در بررسی تجاوز جنسی، خودسوزی یا ازدواج

^{۶۶} این رقم دربرگیرنده اطلاعاتی از ۲۶ ولایت می‌گردد که شامل ارقام بلند ۲۹۳ در هرات، ۲۳۷ در کندز، و ۲۳۴ در کابل الی صفر در پکتیکا و غزنی می‌شود. یوناما قادر نشد تا اطلاعاتی را از پولیس هشت ولایت بدست آورد.

^{۶۷} مصاحبه یوناما با دگرمن ذکیه رحمتی، مسئول واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی در کابل، مورخ ۳ اسد ۱۳۹۰.

^{۶۸} گفتگوی یوناما با الیزابت کامرون، مشاور پولیس بین‌المللی و هماهنگ کننده داین کورپ، کابل، مورخ ۴ سرطان ۱۳۹۰ (۲۵ جولای ۲۰۱۱)

اجباری خود را کمتر دخیل می‌سازند.^{۶۹} در خیلی از ادارات پولیس، زنان بدون مراجعه به مامور نگهبان (نو کروال) و توضیح موضوع نمی‌توانند به واحد پاسخ‌دهی خشونت‌های فامیلی دسترسی داشته باشند.

یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر دریافته است که در عدم موجودیت واحد پاسخ‌دهی به خشونت‌های فامیلی یا عدم حضور افسران زن، قربانیان زن تقریباً هیچگاه داوطلبانه به مأموریت پولیس به دلیل ترس از بازداشت، لطمه به حیثیت‌شان و یا بدتر شدن وضعیت، مراجعه نمی‌کنند. پولیس در این ساحات قضایای خشونت علیه زنان را به ساختارهای عرفی حل منازعات یا به ریاست امور زنان ارجاع می‌دهد. در عین حال افسران پولیس، زنانی را دستگیر می‌نمایند که از خانه فرار می‌کنند و اکثراً دلایل فرار آنان را مورد تحقیق قرار نمی‌دهند.

نظر به ساحات دیگر، شکایات زنان در مورد خشونت عموماً در کابل از شانس بیشتری برای پیگیری برخوردار است.^{۷۰} مراکز پولیس در شهرها و والسوالی‌ها در تشکیل خود واحد پاسخ‌دهی به خشونت‌های فامیلی و مسئول حقوق بشر (Human Rights Focal point) را دارا می‌باشند. زنان قربانی اکثراً خودشان به این ادارات مستقیماً مراجعه می‌کنند، با آنکه همسایه‌ها و خویشاوندان قربانی نیز گاهی سوءرفتارها را گزارش می‌دهند. پولیس والسوالی، شکایاتی را که به قانون منع خشونت علیه زن ربط می‌گیرند، به واحد پاسخ‌دهی به خشونت‌های خانوادگی یا مسئولین حقوق بشر ولایتی راجع ساخته و یا بسته به نوع تخلف، میانجیگری را برای بعضی از قضایا فراهم می‌کند. افسر حقوق بشر مذکور قضیه را تحقیق کرده و دوسیه را یا به دفتر خارنوالی ارجاع می‌کند یا از طریق میانجیگری به آن رسیدگی می‌نماید. مسئولین حقوق بشر پولیس در کابل ۲۳۴ قضیه را در ارتباط به خشونت علیه زنان در جریان سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) ثبت نموده‌اند.^{۷۱}

پولیس ولایت هرات، که واحد پاسخ‌دهی به خشونت‌های فامیلی نیز دارد، یک رکورد بلندی از پیگیری شکایات را دارا می‌باشد. این واحد ۲۹۳ شکایت خشونت علیه زنان را در جریان تهیه گزارش ثبت کرده است که از آن جمله ۶۷ قضیه توسط نمایندگان این واحد در شفاخانه سوختگی ولایت هرات ثبت گردیده است. این قضایا که از ولایات مختلف آمده بودند، توسط مقامات به اشکال گوناگون تحت بررسی قرار گرفتند. از ۲۲۶ قضایای باقی مانده، این واحد ۷۳ قضیه را مستقیماً به خارنوالی و ۳۱ قضیه را به بخش جنایی، ۱۹ قضیه را به مقامات ولسوالی،

^{۶۹} اجماع اشتراک کنندگان در جلسه ۳۰ سرطان ۱۳۹۰ (۲۱ جولای ۲۰۱۱) در کابل مرکب از سازمان‌های که با وزارت امور داخله، دایکوپ، مأموریت پولیس اروپایی، سفارت امریکا، صندوق جمعیت بین‌المللی، اداره ملل متحد برای زنان و یوناما کار می‌کنند.

^{۷۰} همان.

^{۷۱} یوناما به تاریخ ۲ سرطان ۱۳۹۰ (۲۳ جون ۲۰۱۱) با یکی از مسئولین حقوق بشر پولیس ولایت کابل مصاحبه انجام داد.

۱۳ قضیه را به محکمه فامیلی، یک قضیه را به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۵۴ قضیه را میانجیگری فرستاده است و از ۳۵ قضیه دیگر انصراف صورت گرفته است.^{۷۲}

در ولایت شمالی سمنگان که بیشتر روستایی می‌باشد واحد پاسخ‌دهی به خشونت‌های فامیلی پولیس بطور منظم شکایات را پیگیری نموده است. از مجموع ۱۷ شکایت ثبت شده در سال ۱۳۸۹ واحد مذکور ۱۰ قضیه (لت و کوب، اجبار به فحشا، خشونت خانوادگی و تجاوز جنسی) را به خارنوالی ارجاع و ۷ قضیه را از طریق مشاوره و میانجیگری (منازعات فامیلی، دشنام و تحقیر و مزاحمت شاگردان مکتب نسوان) رسیدگی نموده است.^{۷۳}

در ولایت شمالی تخار، پولیس ۸۵ قضیه را ثبت نموده است اما شمار کمی از این قضایا به خارنوالی ارجاع داده شده است. یکی از این قضایا به ازدواج در آوردن به شکل "بد دادن" یک دختر به خانواده دیگری جهت جبران یک جنایت، می‌باشد. در والسوالی ورساج، پولیس چندین نفر را در پیوند با یک ازدواج "بد" در سال ۱۳۸۹ گرفتار کرد؛ مردی بالای دختر ۱۶ ساله تجاوز جنسی کرده بود، وقتی که دختر مذکور حامله شد، خانواده دختر ازدواج دختر خویش را با مرد متجاوز ترتیب دادند و در عین زمان آنها تقاضا کردند که خانواده متجاوز برای خانواده جانب مقابل یک دختر به "بد" بدهد. بالاخره توانستند که خواهر ۹ ساله مرد متجاوز را به بد بگیرند. بنابر قرار گرفتاری صادره توسط خارنوالی، پولیس پدر و کاکای دختر مذکور را به خاطر ترتیب ازدواج "بد" گرفتار کرد و آنها را طبق ماده ۲۵ قانون منع خشونت علیه زن متهم نمود. دفتر خارنوالی همچنان، قرار گرفتاری را علیه ملا امامی که نکاح را منعقد کرده بود، دو نفر شاهد و دو نفر میانجی‌ای که ازدواج بد را تسهیل کرده بودند، صادر کرد.^{۷۴}

ناکامی در انجام ثبت/تحقیقات قضایای خشونت علیه زنان

یکی از ولایاتی که قانون منع خشونت علیه زن در آنجا تا حد زیادی توسط پولیس نادیده گرفته می‌شود، ولایت قندهار می‌باشد که در آن پولیس اظهارات قربانیان و شهود را ثبت کرده ولی به ندرت در آن رابطه به پیگیری اقدام نموده است. بطور مثال:

به تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۲ (۱۳ مارچ ۲۰۱۱) یک زن قضیه خودسوزی اجباری دخترش را به واحد پاسخ‌دهی به خشونت‌های فامیلی گزارش داد. خانواده دختر، وی را در سن ۲۵ سالگی در بدل سه لک افغانی که معادل (۶۶۰۰ دالر امریکایی) می‌شود به ازدواج در آورده بود. مادر دختر

^{۷۲} بتاريخ ۱۹ جوزا ۱۳۹۰ (۹ جون ۲۰۱۱) یوناما با واحد فامیلی پاسخ‌دهی به خشونت‌های فامیلی در ولایت هرات مصاحبه انجام داد.

^{۷۳} مصاحبه یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر با واحد پاسخ‌دهی به خشونت‌های فامیلی پولیس، ۲۲

سرطان ۱۳۹۰

^{۷۴} در ماه ثور ۱۳۹۰ (جولای ۲۰۱۱) یادداشت جوابیه معاون رئیس خارنوالی تخار به یوناما.

اظهار داشت که خانواده خسور دخترش او را به طور مداوم مورد سرزنش قرار داده و می‌گفتند که ^{۷۵} "خانواده تو پول زیادی از ما گرفته است حالا تو باید آنرا با کار کردن در خانه‌های مردم برای ما دوباره پردازی." سرانجام در فیروزی ۲۰۱۱ بعد از ده سال از ازدواج، آنها برایش گفتند که ناگزیر است که با سه مرد مهمان که به ملاقات خانواده مذکور می‌آید عمل جنسی را انجام دهد. یک ماه بعد، زن مذکور در خانه خود، خود را آتش می‌زند. "وی همیشه میگفت که یکروز خود را آتش خواهد زد. من برایش می‌گفتم که "خواهش می‌کنم تحمل کن، این زندگی است و تو یکروز، آینده درخشانی خواهی داشت". مادرش گفت که پولیس شکایت مادر را ثبت کرد ولی هیچ کوششی برای تحقیق مسئله انجام نداد. خودسوزی اجباری یکی از چندین جنایتی است که قانون منع خشونت علیه زن دستور می‌دهد که توسط پولیس و خائرنوالی باید مورد پیگرد قرار گیرد حتی در مواردی که شکایت کننده هم وجود نداشته باشد.^{۷۶}

در جنوب شرق، پولیس در ولایات غزنی و پکتیکا از قانون منع خشونت علیه زن اطلاع نداشت.^{۷۷} پولیس پکتیکا اظهار داشت که آنها هیچ قضیه‌ای را در مدت زمان تهیه این گزارش درج و تحقیق نکرده‌اند. افسر حقوق بشر در پولیس اظهار داشت که "قضایای خشونت علیه زن بصورت عموم، یا به دلیل ترس از مخالفین دولت یا محدودیت‌های فرهنگی گزارش داده نمی‌شود."^{۷۸}

در جنوب و جنوب شرق یوناما/کمیشتری عالی ملل متحد برای حقوق بشر همچنان موارد فزاینده از قضایای خودکشی دختران و زنان مستأصل را ثبت نموده است که اکثر آنها توسط پولیس تحقیق نشده است در حالیکه قانون منع خشونت علیه زن در ماده ۲۱ مجبور نمودن به خودکشی را جرم انگاری نموده است.^{۷۹}

^{۷۵} قسمیکه در بحث مربوط به پولیس برشمرده شد، یوناما با بخش تحقیق جنایی پولیس کندهار مصاحبه انجام داد، ۲۶ حوت ۱۳۸۹ (۱۷ مارچ ۲۰۱۱).

^{۷۶} پیگیری جرایم تجاوز جنسی، فحشاء اجباری، انتشار شهرت قربانی، سوختاندن یا استفاده از مواد کیمیایی، خودسوزی اجباری، یا خودکشی به شکایت شاکی نیاز ندارد، مطابق به ماده ۳۹ (۱).

^{۷۷} از اواسط ۲۰۱۱ تعلیم و تربیه اولیه برای پولیس فقط شامل چند ساعت آموزش در رابطه با حقوق بشر، جنسیت یا خشونت علیه زن می‌شد. اما یک نصاب تعلیمی جدید ۹۶ ساعت را برای حقوق بشر اختصاص خواهد داد که ۱۸ ساعت آن به چگونگی مدیریت قضایای خشونت علیه زن اختصاص خواهد داشت. یک کتاب رهنمای تعلیم و تربیه توسط صندوق جمعیت ملل متحد که به نام "اجراآت پولیس نسبت خشونت علیه زن در افغانستان" برای استفاده توسط وزارت امور داخله تصویب گردید.

^{۷۸} یوناما با مسئول حقوق بشر پولیس ملی پکتیکا مصاحبه انجام داد، ۲۴ حمل ۱۳۹۰ (۱۳ اپریل ۲۰۱۱).

^{۷۹} در مناطق جنوب شرق دفتر یوناما/کمیشتری عالی ملل متحد برای حقوق بشر حد اقل شش مورد واقعه خودسوزی و سه واقعه خودکشی را در بین ماه‌های ژورالی میزان ۱۳۹۰ ثبت نموده است. در مناطق جنوبی، تعداد فزاینده ای قضایای خود سوزی در جلسه سکتور عدالت و قانون مورخ ۱۴ جوزای ۱۳۹۰، مطرح گردید که اشتراک کنندگان مسئولیت مقامات

مسئولین حقوق بشر در پولیس در ولایات مرکزی لوگر، پنجشیر، پروان و میدان وردک به یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر گفتند که زنان در ولایاتشان هیچگاهی شکایت درج نمی‌کنند. شمار کمی از قضایایی که درج شده‌اند از ریاست امور زنان و زنان عضو شورای ولایتی دریافت شده است. پولیس در ولایت پروان اظهار داشت که بعد از تحقیقات، بیشترین قضایا از طریق میانجیگری در همکاری با ریاست امور زنان حل و فصل گردید، ولی با آن هم شش قضیه را به خانونال ارجاع نموده است.^{۸۰}

کم بودن افسران پولیس زن

کمبود افسران پولیس زن، بویژه زنان باسواد، قربانیان زن را از مراجعه به دفتر واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی دلسرد نموده و باز می‌دارند. با آنکه در تشکیل پولیس (جدول استخدام کارمندان) ۲۷۰۰ پست به زنان اختصاص داده شده اما نیروی مذکور فقط ۱۱۹۵ عضو زن به شمول ۱۹۵ افسر و ۴۴۴ خورد ضابط دارد که ۰٫۷۸ درصد تمام نیروی پولیس مجاز را برای سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) که ۱۵۱۲۸۱ نفر می‌باشد، تشکیل می‌دهند.^{۸۱}

ستراتژی وزارت امور داخله، تشکیل یک نیروی (corps) پولیس زن متشکل از ۵۰۰۰ نفر را تا سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) پیش بینی نموده است، اما رسیدن به این هدف موانع زیاد را در پیش رو دارد. مطابق به گفته‌های برید جنرال شفیقه، مسئول واحد جندر و حقوق بشر وزارت امور داخله موانع استخدام و حفظ پولیس زن در تشکیل پولیس شامل سنت‌ها و عنعنات مخالف شمولیت زنان در صف پولیس، سواد کم، سنت ممانعت دختران از رفتن به مکاتب توسط طالبان، فقدان امنیت، نبود مراقبت از اطفال آنها، تهدید و ترس از انتقام گیری توسط عناصر ضد دولتی و عدم احترام از جانب بسیاری همکاران مرد می‌باشد.^{۸۲}

برعلاوه، یک قوماندان ساحوی با تقبیح آنچه را که وی "آزار و اذیت جنسی گسترده" موجود در پولیس می‌نامد، می‌گوید که مقامات در وزارت امور داخله هیچ اقدامی را در چندین قضیه‌ای که برای‌شان گزارش داده شد، روی دست نگرفتند. وی هشدار داد که اگر مشکل رسیدگی نشود تقریباً ۲۱۰ افسر پولیس زن در صفحات شمال ممکن است عفا نمایند.^{۸۳}

مربوطه را در این ارتباط مورد بحث قرار دادند و خواستار تحقیق و پیگیری عدلی این نوع قضایا به منظور جلوگیری از وقوع آن شدند.

^{۸۰} مصاحبه تلفونی یوناما با مسئول حقوق بشر در ولایت پروان مورخ ۲۵ جوزا ۱۳۹۰ (۱۵ جون ۲۰۱۱).

^{۸۱} مصاحبه با جنرال شریفه رسولی، مسئول بخش آموزش وزارت امور داخله، ۳ اسد ۱۳۹۰

^{۸۲} بیانیه ایراد شده در کنفرانس سروی دیدگاه مردم در مورد پولیس که در هتل سرینا دایر گردیده بود، ۱۴ دلو ۱۳۸۹)

۳ فبروری ۲۰۱۱) در گزارش واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی و قول اردو های پولیس زن (women's police corps) "توسط اداره بین المللی مبارزه با مواد مخدر و تنفیذ قانون، ۱۶ جوزا ۱۳۹۰

^{۸۳} یوناما مصاحبه را با یکی از مسئولین جندر و حقوق بشر پولیس در صفحات شمال انجام داد، ۲۲ سنبله ۱۳۹۰.

مربیان بین المللی دریافته‌اند که بسیاری از پولیس‌های زن وظایف حرفوی را اجرا نمی‌کنند، بلکه منحیث آشپز، صفاکار و خدمتکار ایفای وظیفه می‌کنند. جنرال شریفه رسولی رئیس واحد تعلیم و تربیه پولیس ملی چالش‌های عمده را در استخدام پولیس زن سخت‌گیری‌های فرهنگی عرفی در قسمت حضور زن در ارگانهای اجرای قانون می‌داند.^{۸۴}

۳. ۵- استفاده از میانجیگری و میکانیزم‌های سنتی حل و فصل

منازعات در قضایای خشونت علیه زنان

یافته‌ها

بررسی یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر نشان می‌دهد که اکثریت قضایای خشونت علیه زنان که به پولیس و یا خائرنوالی‌ها گزارش شده‌اند، در عمل به بیرون از سیستم عدالت رسمی - از طریق میانجیگری، انصراف از شکایت و یا توسط بزرگان در میکانیزم‌های سنتی حل و فصل منازعات مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند. حتی خائرنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان نیز تنها تعداد کمی از قضایای ثبت شده در این اداره را مورد پیگرد عدلی قرار داده است.

یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر همچنین استفاده گسترده از میانجیگری برای رسیدگی به شکایت‌های خشونت خانوادگی توسط نهادهایی مانند ریاست امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر را نیز مشاهده نموده است. استفاده از میانجیگری در ۱۷ مورد از مجموع ۲۲ فقره جرمی که قانون منع خشونت علیه زن پیش بینی نموده، در صورتی که فرد قربانی (مجنی علیه) بر پیگرد قانونی اصرار نداشته باشد، مجاز است.^{۸۵}

به گونه مثال، از جمله ۳۶ قضیه ای جرمی که بر اساس قانون منع خشونت علیه زن^{۸۶} در قوماندانی امنیه ولایت ننگرهار ثبت گردیده بود، در ۱۲ قضیه مدعی از ادعای خویش صرف نظر نموده است، ۱۲ مورد آن از طریق میانجیگری حل و فصل گردیده است؛ ۲ مورد آن جهت تعقیب عدلی به خائرنوالی معرفی گردید؛ یک قضیه جهت تحقیقات بیشتر به ریاست تحقیقات جنائی سپرده شد؛ یک قضیه به عنوان قضیه مدنی^{۸۷} به ریاست عدلیه محول گردید؛ ۲

^{۸۴} جنرال شریفه رسولی رئیس تعلیم و تربیه در وزارت داخله، در جلسه ۳ اسد ۱۳۹۰ (۲۵ جولای ۲۰۱۱).

^{۸۵} به زیر نویس شماره ۲۰ مراجعه کنید.

^{۸۶} پولیس در مجموع ۶۰ قضیه خشونت علیه زنان را ثبت نموده که از جمله ۳۶ قضیه آن مطابق قانون منع خشونت علیه زن جرم پنداشته شده است.

^{۸۷} بررسی یوناما در حوزه شمال شرقی از مارچ ۲۰۱۰ - سپتامبر ۲۰۱۱ میلادی نشان می‌دهد که قضایای مربوط به حقوق ملکیت و میراث زنان معمولاً به عنوان قضایای مدنی از طریق میانجیگری یا محکمه مدنی مورد رسیدگی قرار گرفته است در حالی که محرومیت از حق میراث و منع دسترسی به ملکیت مطابق قانون منع خشونت علیه زن جرم پنداشته می‌شود.

قضیه به ریاست امور زنان ارجاع شد؛ ۴ قضیه به نقاط دیگر فرستاده شد و اجراءات در مورد ۲ قضیه دیگر تا اکنون مشخص نمی‌باشد. از جمله دو قضیه تجاوز، یکی آن به خارنوالی و قضیه دوم به میانجیگری فرستاده شده است. از جمله ۱۷ قضیه لت و کوب، ۷ قضیه جهت میانجیگری فرستاده شده؛ مدعیان ۵ قضیه از ادعاهای شان صرف نظر نموده؛ ۲ قضیه به سایر ولسوالی فرستاده شده؛ یک قضیه به ریاست امور زنان محول گردیده و پیگیری ۲ قضیه باقیمانده مشخص نمی‌باشد.^{۸۸}

مدیریت تحقیقات جنائی پولیس ملی افغان در ولایت کتر ۹ قضیه خشونت علیه زنان را ثبت نموده که ۳ قضیه آن را به ریاست امور زنان آن ولایت جهت میانجیگری فرستاده؛ ۵ قضیه را به بزرگان قومی احاله نموده و فقط یک قضیه آن را به خارنوالی معرفی نموده اند.^{۸۹}

در سراسر افغانستان، واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی در پولیس افغانستان، اکثر قضایای دریافت شده را خود حل و فصل می‌کند. قضایای خشونت علیه زنان که در خارج از خانواده اتفاق می‌افتد توسط مدیریت تحقیقات جنائی بعضاً با سهمگیری واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی در ولایت هرات به نسبت عدم میانجگری تعداد زیادی قضایای خشونت علیه زنان، متمایز می‌باشد. واحد مذکور در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی) ۲۲۶ قضیه را ثبت نموده که از جمله ۱۰۳ مورد آن را حل و فصل نموده؛ ۷۳ مورد آن را به خارنوالی معرفی کرده؛ ۳۱ قضیه را به مدیریت تحقیقات جنائی ولایتی فرستاده و ۱۹ مورد آن را به مقامات سایر ولسوالی‌ها ارجاع نموده است. پولیس واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی در خوست ۱۲ قضیه را دریافت نموده که از جمله ۱۰ مورد آن را حل و فصل نموده است. واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی ولایت بامیان نیز ۱۲ مورد قضیه خشونت‌های خانوادگی را ثبت نموده که ۱۰ مورد آن را جهت حل و فصل به بزرگان قومی و ۲ مورد آن را به خارنوالی فرستاده است.

مسئول واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی در کابل به یوناما/کمیشری عالی ملل متحد برای حقوق بشر اظهار داشت که این واحد میانجگری توسط بزرگان را نیز بعضاً می‌پذیرد. بعد از اینکه قربانی خشونت شکایت را درج می‌نماید، بعضی اوقات بزرگان به واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی مراجعه نموده و خواهان اجازه میانجگری قضیه می‌شوند. در چنین قضایا، بزرگان تصامیم خود را تحریر داشته آن را امضاء یا مهر نموده و در اختیار واحد

^{۸۸} بررسی و تحلیل قضایا توسط دفتر یوناما/کمیشری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در ولایت ننگرهار، حمل ۱۳۸۹ الی

میزان ۱۳۹۰

^{۸۹} بررسی و تحلیل قضایا توسط دفتر یوناما/کمیشری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در ولایت کتر، حمل ۱۳۸۹ - میزان

۱۳۹۰

پاسخ دهی به خشونت های فامیلی قرار می دهند. در صورتی که فیصله آنها در مغایرت با قانون قرار داشته باشد، واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی آن را ملغی قرار داده و به تحقیقات خود ادامه می دهد.^{۹۰}

یوناما دریافته است که خائونالی هایی که شکایات را مستقیماً و یا از طریق پولیس دریافت می کنند، نیز قضایا را اکثراً به مراجع مختلف جهت میانجیگری فرستاده یا مدعی را تشویق می کنند تا از ادعای خویش صرف نظر نموده و مصالحه نماید. مقامات میگویند این کار را به منظور حفظ شیرازه خانواده انجام می دهد. این موضوع طی مصاحبه ای با معاون لوی خائونالی در امور تحقیقات جنائی و رئیس خائونالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در اداره لوی خائونالی مورد تأیید قرار گرفت.^{۹۱} یافته های یوناما/کمیشتری عالی ملل متحد برای حقوق بشر نشان می دهد که از جمله ۵۹۴ قضیه که توسط خائونالی های شهری ثبت گردیده، فقط ۱۵۵ مورد آن به محاکم محول گردیده که این امر انعکاس دهنده تغییر مسیر و ارجاع تعداد زیادی از قضایا به پروسه میانجیگری و نیز انصراف مدعی از پیگیری، می باشد.

در حدود ۷۰ فیصد قضایای دریافت شده توسط خائونالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در لوی خائونالی بعد از انصراف توسط شاکی، عدم موجودیت مدارک کافی یا غیبت مدعی حفظ شده یا از جریان رسیدگی عدلی خارج شده است. رئیس این بخش به یوناما گفت زمانی که خائونالان مربوطه جرایم ارتکاب یافته را بررسی می کنند، "آنها مشاهده می نمایند که اگر این جرایم جدی نبوده و تخلفات عادی می باشند؛ یا اگر ادعا به خاطر احساساتی شدن مدعی درج شده؛ و اگر برای مدعی ممکن باشد که دوباره به خانواده خود پیوسته و با شوهر خود در فضای صلح آمیز زندگی نماید، خائونالان ما آنها را تشویق می کنند تا دوباره آشتی نموده و از شکایات شان صرف نظر نمایند. این امر به منظور حفظ شیرازه خانواده ها انجام می شود."^{۹۲}

قوانین افغانستان و امکان میانجیگری در جرایم جدی

مطالعات متعدد نشان داده است که در افغانستان این یک امر معمول می باشد که به نهاد های بیرون از نظام عدالت رسمی جهت حل و فصل هم قضایای وهم قضایای جزایی مراجعه نمایند

^{۹۰} مصاحبه یوناما /کمیشتری عالی ملل متحد برای حقوق بشر با سمونمل ذکیر رحمتی، رئیس واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی به تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۳. یوناما هیچ نوع معلومات در مورد نظارت پولیس از رسیدگی قضایا توسط میکانیزم های غیر رسمی حل منازعات در افغانستان در دست ندارد.

^{۹۱} مصاحبه یوناما /کمیشتری عالی ملل متحد برای حقوق بشر با آقای نور حبیب جلال، معاون لوی خائونالی در امور تحقیقات جنائی و خانم قدسیه نیازی، رئیس خائونالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان به تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۱۹ (۱۰ اگست ۲۰۱۱ میلادی).

^{۹۲} مصاحبه یوناما با خانم قدسیه نیازی، رئیس خائونالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در لوی خائونالی به تاریخ ۱۳۹۰/۰۶/۲۹

(۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱ میلادی).

^{۹۳} در واقع میزان ارجحیت حل منازعات در خارج از سیستم عدالت رسمی هنوز هم بسیار بالا است.

در حالیکه قانون مدنی افغانستان نقش میانجیگری را به رسمیت می‌شناسد هیچ تذکری از آن در قوانین جزائی این کشور به عمل نیآمده است. اما قوانین مذکور در را برای یک همچون اجراءات باز گذاشته. یعنی قوانین مذکور به مدعی اجازه می‌دهد که از پیگیری قضیه صرف نظر کرده و آنرا متوقف سازد. به اساس قانون اجراءات جزائی موقت، خانونال مکلف است تا "در صورت آگاهی یا دریافت گزارش از وقوع جرایم ... به تحریک دعوی جزائی جهت تعقیب تمام جرایم آغاز نماید، مگر اینکه قانون صراحتاً طور دیگری حکم نموده باشد."^{۹۴}

از جمله ۲۲ جرایم خشونت علیه زن تعریف شده در قانون منع خشونت علیه زن ۱۷ مورد آن صرف زمانی مورد تعقیب عدلی قرار می‌گیرد که شکایت توسط قربانی یا وکیل وی درج گردد و تعقیب عدلی و مجازات مرتکبین این جرایم در صورت انصراف شاکی از شکایت اش متوقف می‌گردد. در تمام چنین جرایمی که در آن رضایت مجنی علیه باعث توقف دعوی می‌گردد، میانجیگری جانشین تعقیب عدلی شده می‌تواند.

اکثر این جرایم ۱۷ گانه شدید هستند. دو مورد از این جرایم یعنی "خرید و فروش زن به منظور یا به بهانه ازدواج" (ماده ۲۴) و "بد [دادن زن در بدل قتل یا سایر جرایم]" (ماده ۲۵) جرایم شدید بوده وهمانند "مجروح یا معلول ساختن" (ماده ۲۲) - با در نظر داشت شدت آن - از جرایم جنایت است. سایر جرایمی که تعقیب عدلی آن بستگی به شکایت مدعی دارد عبارتند از: ازدواج اجباری؛ ممانعت از حق ازدواج؛ ازدواج بدون تکمیل سن قانونی؛ انزوای اجباری؛ اجبار به اعتیاد به مواد مخدر؛ نقض حق میراث؛ نقض منع حق تصرف در اموال؛ ممانعت از حق تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی؛ کار اجباری؛ تعدد زوجات در حالات خاص؛ نفی قرابت؛ آزار و اذیت؛ دشنام، توهین و ارباب؛ تهدید و شکنجه.

از جمله جرایم بیست و دو گانه، صرف جرایم تجاوز جنسی، وادار کردن به فحشاء، پخش و نشر هویت قربانی، سوختاندن یا استفاده مواد کیمیاوی، خود سوزی یا خود کشی اجباری باید در هر نوع شرایط مورد تعقیب عدلی قرار گیرد.^{۹۵} همانطوری در فوق ذکر گردید، سارنولان تمام این گونه قضایا را مورد تعقیب عدلی و قضایی قرار نداده است.

^{۹۳} به شمول "عدالت رسمی و غیر رسمی در پکتیا و ننگرهار": تحقیق توسط دفتر ارتباطات موسسه صلح ایالت متحده امریکا (USIP- TLO) فیروزی ۲۰۱۱؛ "پروسه های حل منازعات بر محوریت جامعه در شهر کابل" (community based dispute resolution process in Kabul) ریبیکا گنگ (Rebecca Gang)، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، مارچ ۲۰۱۱ میلادی؛ "حل غیر رسمی منازعات در افغانستان" انستیتیوت صلح ایالات متحده، امریکا آگست ۲۰۱۰ میلادی.

^{۹۴} قانون اجراءات جزائی موقت، ماده ۲۲

^{۹۵} مطابق ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن

میانجگری قضایای خشونت علیه زنان توسط پولیس

میانجگیری از طریق پولیس یا سایر ارگان‌ها معمولاً با امضای تعهد نامه توسط طرفین یا مرتکب خشونت و شهادت دادن دو تن از بزرگان محل خانواده وی به پایان می‌رسد. با وجود آنکه فورمه ای معیاری (برای تعهد نامه) وجود ندارد، اساساً مرتکب خشونت توافق می‌نماید که از ارتکاب خشونت بیشتر خودداری نموده و می‌پذیرد که در صورت تکرار خشونت، احکام قانون به طور کامل بالای وی تطبیق گردد. به اساس گفته‌های رئیس خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در لوی خارنوالی، هر گاه این نهاد قضیه را بدون تعقیب عدلی حل و فصل نماید یعنی انصراف صورت گیرد و در صورتی که مرتکب خشونت باسواد باشد، تعهد نامه‌ای را خود او نوشته و امضاء نموده و دو تن شهود نیز آن سند را امضاء می‌نمایند.

مسئول واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی وزارت داخله به یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر گفت که در تاکنون حدود ۶۰ فیصد از میانجگیری‌های این اداره با موفقیت انجام شده است.^{۹۶} در سایر قضایا اگر خشونت دوباره اتفاق می‌افتد و قضیه بار دیگر به این نهاد مواصلت می‌کند، نهاد مذکور قضیه را به ریاست تحقیقات جنائی یا خارنوالی ارجاع می‌نماید. رئیس این واحد همچنان می‌پذیرد^{۹۷} که تمام زنانی که در معرض خشونت دوامدار قرار گرفته‌اند، بنا بر فشارهای خانوادگی و سایر عوامل به این واحد مراجعه نمی‌نمایند. نامبرده به یوناما ابراز داشت که واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی تلاش می‌ورزد تا با متضرر در تماس بوده، با وی ملاقات داشته، از طریق تلفون در ارتباط بوده و از همسایه‌های وی معلومات به دست آورد تا اطمینان حاصل گردد که میانجگیری منجر به قربانی شدن مجدد موصوف نگردیده باشد.

میانجگیری قضایای خشونت علیه زنان توسط ریاست امور زنان

میانجگیری منازعات خانوادگی و زناشویی به شمول بعضی از خشونت‌های فامیلی معمولاً توسط ریاست‌های امور زنان نیز به طور گسترده اجراء می‌گردد. به طور مثال ریاست امور زنان در ولایت کندز از جمله ۱۷۶ قضیه ۱۵۰ مورد آن را از طریق میانجگیری حل و فصل نموده و ۲۶ مورد آن را به ارگان‌های عدلی و قضائی یا پولیس یا سایر نهادهای دولتی فرستاده است. ریاست امور زنان در ولایت غور ۳۳ قضیه را دریافت نموده که از جمله ۱۱ مورد آن را از

^{۹۶} مسئولین حقوق بشر در وزارت داخله افغانستان در کابل گفته است که ۸۰ فیصد قضایای میانجگیری با موفقیت همراه بوده و پولیس در حال حاضر با موسسات غیر دولتی (NGO) در تماس بوده تا قضایای میانجگیری شده را پیگیری نموده و اطمینان حاصل نمایند که خشونت بار دیگر صورت نمی‌گیرد - ۱۳۹۰/۰۶/۲۴ (۱۵ سپتامبر ۲۰۱۱).

^{۹۷} مصاحبه یوناما با سمونمل ذکیه رحمتی، رئیس واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی به تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۳ (۲۵ جولای ۲۰۱۱ میلادی).

مجرای میانجیگری حل و فصل نموده و ۷ مورد آن را به بزرگان قوم ارجاع نموده است. میانجیگری های که در آن ریاست های امور زنان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، یا واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی وزارت داخله اشتراک میکنند، بر خلاف اکثر جرگه ها و شوراها که اشتراک زنان در آن تقریباً به گونه کامل ممنوع می باشد، به زنان فرصت جستجوی راه حل ها را می دهند.^{۹۸}

طبق گفته های کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در امور زنان، اکثر زنان مایل نیستند تا علیه شوهرشان به مراجع عدلی شکایت نمایند. آنها بیشتر میانجیگری را به امید حفظ وحدت خانواد شان و احتراز از مصارف تعقیب عدلی و تهدیدات که هنگام مراجعه به ارگانهای عدلی قضایی معروض به آن می باشد، ترجیح می دهند؛ با وجود آنکه می دانند بعضی گزینه های خوب دیگر را نیز در اختیار دارند.^{۹۹} مصارف هنگفت و موجودیت فساد اداری در نهادهای عدلی و قضائی نیز باعث می گردد تا از تعقیب عدلی پرهیز شود.

نگرانی ها درباره ای اتکاء به میانجیگری در این گونه قضایا

اتکای بیش از اندازه مقامات افغان به میانجیگری حتی بعضاً در جرایم شدید، در مغایرت با متن و مفاد قانون منع خشونت علیه زن که در صدد حمایت از قربانی خشونت، جلوگیری از وقوع خشونت های بیشتر و به عدالت کشیدن عاملین خشونت علیه زن می باشد، قرار دارد.^{۱۰۰}

اکثر کارشناسان امور خشونت های خانوادگی در سطح جهانی در مورد اتکای بیش از حد به پروسه میانجیگری هشدار می دهند. "میانجیگری در منازعات فامیلی یک ابزار نیرومند محسوب می گردد ولی پروسه میانجیگری در قضایای خشونت خانوادگی با توجه به موضوع مصنوعیت و عدم توازن شدید قوای طرفین معمولاً غیر عادلانه بوده و باید از آن احتراز صورت گیرد."^{۱۰۱} کارشناس دیگر میگوید: "میانجیگری در حالاتی که طرفین تقریباً در شرایط مشابه به سر برده و اساساً خواهان حل و فصل منازعه بوده و اراده ای گوش دادن به حرفهای یکدیگر را داشته باشند، عملی می باشد. زوج های خشن تمایل کمتر یا حتی هیچ تمایلی برای گوش

^{۹۸} "برخورد دو خوب: حل منازعات توسط دولت و نهاد های غیر دولتی در افغانستان" انستیتیوت صلح ایالات متحده، سال ۲۰۰۶ میلادی

^{۹۹} مصاحبه یوناما با داکتر ثریا صبحرننگ، کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در امور زنان، ۱۳۹۰/۰۳/۳۰ (۲۰ جون ۲۰۱۱ میلادی)

^{۱۰۰} به ماده ۲ قانون منع خشونت علیه زن مراجعه گردد.

^{۱۰۱} اس. گریس کر و پیتر جی. جاف، "نیاز به راهکار های متمایز مسلکی در مورد قضایای حجز طفل، اختلاف نظر در قسمت یافته های خشونت خانوادگی و ابعاد حقوقی خشونت های خانوادگی و مسئله دست رسی به محلات سلب آزادی"، که در نوشته ای عملکرد خوب خوب برای وکالت از موکلین در قضایای خشونت های خانوادگی، وزارت عدلیه، کانادا از آن نقل شده است، - <http://www.justice.gc.ca/eng/pi/fcy-fea/lib-bib/tool-util/topic-theme/viol2b.html>

دادن به یکدیگر یا رسیدن به توافق را ندارند. غلبه بر نابرابری در جدال کسب قدرت بسیار دشوار یا ناممکن می‌باشد حتی در موجودیت میانجی.^{۱۰۲}

بعضی‌ها استدلال می‌نمایند که اتکاء به میانجیگری در قضایای خشونت‌های خانوادگی معیارهای جهانی عدم تبعیض را نقض می‌کند. مطابق به بهترین عملکردها، خشونت‌های خانوادگی همسان با سایر خشونت‌ها باید به گونه قانونی مورد رسیدگی قرار گیرد. اعلامیه محو خشونت علیه زنان ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) از دولت‌ها می‌خواهد تا "توجه ویژه‌ای را برای جلوگیری، تحقیق و مجازات قضایای خشونت علیه زنان در مطابقت با قوانین داخلی کشورها مبذول داشته خواه این اعمال خشونت آمیز توسط دولت ارتکاب یافته باشد و یا توسط افراد"^{۱۰۳}.

همایش علمی که ملل متحد در سال ۲۰۰۸ میلادی تحت نام "عملکرد خوب در تقنین راجع به خشونت علیه زنان" دایر نموده بود، پیشنهاد می‌نماید که میانجیگری در قضایای خشونت علیه زنان ممنوع اعلان گردد. در گزارش این همایش آمده است که "میانجیگری در قوانین منع خشونت علیه زن در اکثر کشورها به عنوان بدیلی برای پروسه‌های عدالت جزائی انکشاف یافته است. اما، میانجیگری بر این پیش فرض مبتنی است که هر دو طرف قضیه به طور مساویانه در قضیه ای خشونت مقصر است و قدرت جدال مساوی دارند. میانجیگری، قضایای خشونت علیه زنان را از دوران رسیدگی قضایی و نظارت دقیق ارگانهای عدلی قضایی خارج و حساب دهی مرتکبین آنرا کاهش می‌دهد. تعداد فزاینده ای کشورها میانجیگری در قضایای خشونت علیه زنان را ممنوع قرار داده است."^{۱۰۴}

بعضی از کشورها قوانینی را در سطوح کشور، ایالت و یا محل تصویب کرده اند، تا صلاح‌دید پلیس را در واکنش به حوادث عاجل خشونت‌های خانوادگی کاهش دهد. این قوانین شامل است بر: اوامر حمایت مدنی (که دستورات محدود کننده یا حفاظتی نیز نامیده می‌شود. در موارد که یک طرف قضیه به این دستورها تن نمیدهد به مجازات مدنی و یا جزائی مواجه شده و ممکن است که به جبران خسارات مجبور شود و یا محدودیت‌های بیشتر بر وی وضع شود)، پالیسی‌های بازداشت اجباری و پالیسی‌های تعقیب عدلی اجباری. قوانین مربوط به گرفتاری اجباری، پلیس را ملزم می‌سازد تا در مواقع که یک فرد مرتکب جرم خشونت خانوادگی شده

^{۱۰۲} نوشته ای عملکرد خوب برای وکالت موکلین در قضایای خشونت خانوادگی، وزارت عدلیه، کانادا
<http://www.justice.gc.ca/eng/pi/fcy-fea/lib-bib/tool-util/topic-theme/viol2b.html>

^{۱۰۳} ماده ۴ فقره (ج) اعلامیه محو خشونت علیه زنان، ۱۹۹۳.

^{۱۰۴} در "خشونت‌های فامیلی، قانونگذاری و تطبیق آن" چاپ اول ۲۰۰۹، یونیسفیم، چاپ دوم و اصلاح شده در سال ۲۰۱۱، اداره ملل متحد برای زنان (UN-Women) ذکر شده است. (یونیسفیم به این نام تغییر یافت). نوشته مذکور در سایت ذیل موجود می‌باشد

http://www.un.org/womenwatch/daw/egm/vaw_legislation_2008/legislation_2008.htm

و یا دستور مربوط به حمایت مدنی را نقض کرده، وی را گرفتار نماید. پالیسی‌های تعقیب عدلی اجباری، تعقیب عدلی را حتی در موارد که قربانی از شکایت خود صرف‌نظر می‌کند، نیز ممکن می‌سازد.^{۱۰۵}

این یک امر حیاتی می‌باشد که مقامات قضایای شدید خشونت علیه زنان را مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار داده و مرتکبین آنرا بازداشت نماید. در عین زمان بحث راجع به تدوین یک رهنمود جامع درباره میانجیگری آغاز گردد. این رهنمود بتواند توسط خاارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، ریاست‌های حقوق وزارت عدلیه، و واحدهای پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی مورد استفاده قرار گیرد تا قربانیان خشونت به طور کامل محافظت گردد.^{۱۰۶}

میکانیزم‌های عرفی حل و فصل منازعات

میکانیزم‌های عرفی به صورت موازی با نهادهای عدلی و قضائی در سراسر افغانستان وجود داشته و انواع مختلفی از قضایا را مورد رسیدگی قرار می‌دهد. بزرگان و متنفذین که تشکیل دهنده این میکانیزمها هستند بیش از آنکه در جهت حمایت از حقوق افراد و تطبیق قانون کوشش کنند، در کل آنها تلاش میکنند تا ساختار فامیلی و قبیله‌ای را به منظور جلوگیری از بروز برخوردهای قومی و قبیله‌ای و سایر اشکال برخورد ها حفاظت کنند.^{۱۰۷}

مطالعه اخیر در مورد پروسه حل و فصل منازعات در کابل نشان می‌دهد که "موجودیت فساد گسترده" عامل تاثیر گذار بر انتخاب میکانیزم رسمی یا میکانیزم عرفی حل منازعات به شمار می‌رود. "دسترسی طرفین منازعه به منابع متعدد برای پرداخت رشوه و وداستن روابط با مدیران رده دوم ولی مقتدر در دفاتر ولسوالی‌ها" نیز در انتخاب میکانیزم غیر رسمی کمک میکند. این مطالعه چنین دریافته است که که توسل به سیستم عدالت رسمی متأثر از عوامل "نزدیکی به و آگاهی از مراکز ارائه خدمات گوناگون دولتی؛ بلند بودن سطح باور به فرهنگ مسئول دانستن دولت برای حل و فصل منازعات؛ ترکیب نامتجانس اقشار مختلف مردم؛ و نمونه‌هایی از تغییرات اجتماعی برخواسته از جابجائی و شهر نشینی به ویژه در خصوص رعایت حقوق زن"^{۱۰۸} می‌باشد. "رئیس ریاست امور زنان ولایت تخار به یونااما اظهار داشت که وی

^{۱۰۵} برای معلومات بیشتر به "فانونگذاری راجع به خشونت علیه زنان..."، قبلی، و چهار چوب کاری ملل متحد برای مودل قوانین مربوط به خشونت فامیلی مراجعه کنید (E/CN.۴/۱۹۹۶/۵۳/ADD.۲)

^{۱۰۶} این دیدگاه توسط سازمان بین المللی انکشاف حقوقی در اکتبر ۲۰۱۱ مطرح گردید.

^{۱۰۷} در بین سایر مطالعات مراجعه شود به "عدالت رسمی و غیر رسمی در ولایت پکتیا و ننگرهار تحقیق توسط TLO" فیروزی ۲۰۱۱ و عدالت غیر رسمی در افغانستان استوت مطالعات صلح ایالات متحده امریکا اگست ۲۰۱۰

^{۱۰۸} "پروسه‌های حل منازعات بر محوریت جامعه در شهر کابل"، رییکا گنگ، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، مارچ ۲۰۱۱ میلادی.

ترجیح می‌دهد تا قضایای خشونت و منازعه خانوادگی را به جرگه‌های محلی ارجاع نماید چرا که راه حل‌های به دست آمده از طریق میانجیگری نسبت به فیصله‌های محاکم برای طرفین بیشتر قابل قبول می‌باشد. همچنان وی افزود "اگر من قضایا را به نهادهای تنفیذ قانون ارجاع نمایم، سال‌ها طول خواهد کشید تا به آن قضایا رسیدگی صورت گیرد."

یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر یک قضیه خشونت جدی را در ولایت دایکندی^{۱۰۹} مستند سازی نموده که مقامات برای دریافت راه حل به بزرگان محل ارجاع نموده‌اند. قضیه مربوط به مردی است که به تاریخ ۱۳۸۹/۰۸/۳۰ (۲۰ نومبر ۲۰۱۰ میلادی) زن برادر خود را با چند ضربه چاقو مجروح ساخته بود. وی از این حمله جان به سلامت برد و در شفاخانه بستری شد و پولیس مرتکب این عمل را دستگیر نمود. ، چند روز بعد مقامات به یوناما گفتند که قضیه از طریق میکانیزم عدالت غیر رسمی و به کمک بزرگان محل، حل و فصل شد. یگانہ تعهدی که از مرتکب این عمل گرفته شد این بود که نامبرده در آینده هیچ نوع آسیب به همسر برادر خود نخواهد رسانید و مزاحم او نمی‌شود. خاړنوالی هیچ نوع مسئولیتی را در این زمینه به عهده نگرفته و پولیس را در ارجاع قضیه به بزرگان محل مقصر دانست^{۱۱۰}.

۴. کمیسیون های منع خشونت علیه زنان

۴.۱- کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان

برای رهبری مساعی جهت خاتمه دادن به خشونت علیه زنان، قانون منع خشونت علیه زن کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن را ایجاد نموده است. این کمیسیون تحت رهبری وزارت امور زنان باید در بین موسسات دولتی و غیر دولتی هماهنگی لازم را بوجود آورد تا "بصورت موثر با خشونت علیه زنان مبارزه بعمل آید". اعضای آن، معاون لوی خاړنوال، معینان وزارت- های امور داخله، عدلیه، صحت عامه، اطلاعات و فرهنگ، تعلیم و تربیه، تحصیلات عالی، کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین، حج و اوقاف، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، رئیس محکمه فامیلی کابل و رئیس انجمن وکلای مدافع می‌باشند.^{۱۱۱}

^{۱۰۹} خاړنوالی ولایت دایکندی ۱۷ قضیه خشونت علیه زن را ثبت نموده که از آن جمله تنها یک قضیه را براساس قانون منع خشونت علیه زن به محکمه ارجاع نموده و محکمه در این ولایت هیچ قضیه براساس قانون مذکور رسیدگی نکرده است.

^{۱۱۰} مصاحبه های یوناما با خاړنوال و قوماندان امنیه ولسوالی سنگ تخت بندر، مورخ ۱۳۸۹/۰۹/۰۲

^{۱۱۱} ماده ۱۵ قانون منع خشونت علیه زن

یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر از ایجاد کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن و تصمیم آن در ماه جون ۲۰۱۰ (سنبله ۱۳۸۹) برای ایجاد کمیسیون‌های مشابه در هر ولایت استقبال می‌کند. کمیسیون ساختار امیدوار کننده‌ای را برای ارتقای تمام جوانب قانون منع خشونت علیه زن، هم در اقدامات جنایی و حمایتی و هم اقدامات محافظتی ارائه می‌دارد. با هم این کمیسیون جهت انجام ماموریت پرچالش‌اش به حمایت‌های بیشتر ضرورت دارد.^{۱۱۲}

کمیسیون عالی تحت ریاست وزیر امور زنان منظمأ جلسات خود را دایر می‌نماید. اکثریت اعضای آن معمولاً حضور دارند، لیکن نهادهای مدنی، غیر از انجمن وکلای مدافع، در آن سهم ندارند. اعضای فعال گزارش می‌دهند و تلویزیون ملی اغلباً کلیپ‌های کوتاهی از جلسات کمیسیون را منتشر می‌کند. کمیسیون برای پیگیری قضایا بعضاً سفارشات را پیشنهاد می‌کند اما اعضای کمیسیون مسئولیتش را درست ایفا نمی‌کند، کمیسیون نیز آنها را مورد حسابدهی قرار نمی‌دهد و از آنها سوال نمی‌کند. بر علاوه برای پیگیری توصیه‌ها هم هیچ اقدام عملی صورت نمی‌گیرد.^{۱۱۳}

۲.۴- کمیسیون‌های ولایتی

کمیسیون‌های ولایتی منع خشونت علیه زن تصویر متنوعی را ارائه می‌دارد. در یوناما دریافت که کمیسیون متذکره در ۲۸ ولایت افغانستان تأسیس گردیده^{۱۱۴}، اما تنها ۱۶ کمیسیون جلسات منظم می‌داشته باشد. وزارت امور زنان تنها تعداد معدودی از این کمیسیون‌ها را به عنوان کمیسیون‌های فعال به رسمیت می‌شناسد. وزارت امور زنان آن کمیسیون‌هایی را که مطابق رهنمود اخیر کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن مبنی بر عهده‌دار شدن ریاست کمیسیون توسط مقام ولایت و ایفای وظیفه دارالانشاء کمیسیون توسط ریاست امور زنان اجراآت می‌نماید بحث کمیسیون‌های فعال به رسمیت می‌شناسد. سایر کمیسیون‌ها توسط ریاست امور زنان مطابق رهنمود اول یا مکتوب که ابتداء توسط دارالانشاء کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن صادر گردیده بود، رهبری می‌شوند.

^{۱۱۲} . قانون منع خشونت علیه زن ماده ۱۶ وظایف کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن توضیح می‌دهد که موارد ذیل شامل آمیاشد: تحقیق در مورد قضایای خشونت علیه زن و به عهده گرفتن اقدامات پیشگیرانه؛ طرح برنامه آهای آگاهی راجع به خشونت علیه زنان، هماهنگ سازی فعالیت های دولتی و غیر دولتی برای مبارزه با خشونت علیه زنان؛ جمع آوری آمار از پولیس، سارنوالی و محاکم در مورد قضایای خشونت علیه زن واتخاذ طرزالعمل ها به منظور بهبود تطبیق قانون منع خشونت علیه زن.

^{۱۱۳} . مصاحبه یوناما با داکتر ثریا صبحرننگ، کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در امور زنان، ۳۰ جوزا ۱۳۹۰.

^{۱۱۴} شش ولایتی که هیچ کمیسویی در آنجا تأسیس نشده کابل، نورستان، هلمند، کندهار، زابل و پکتیکا می باشد. راجع به میدان وردک ونورستان معلومات کافی در دست رس نیست

کمیسیون‌های ولایتی در عملکرد خود تا حد زیادی متفاوت هستند. بعضی فقط یک جلسه تدویر کرده‌اند در حالیکه سائرین روی لایحه وظایف خود هنوز بحث دارند. با نداشتن بودجه یا کارمندان مستقل، کمیسیون‌های متذکره کاملاً به سهمگیری اعضایشان جهت اجرای فعالیت‌های خویش وابسته می‌باشند. اعضای دولتی غالباً آگاهی کامل از قانون منع خشونت علیه زن ندارند و بعضی از آنها با بعضی از مواد آن مخالفت می‌نمایند. در بعضی ولایات والی-ها زیاد فعال نیستند و ریاست امور زنان بی هم تجربه و ظرفیت کافی ندارند. رهنمود یا مکتوبی که ریاست کمیسیون ولایتی منع خشونت علیه زن را از ریاست امور زنان به والی‌ها منتقل می‌سازد در بعضی ولایات منجر به بروز ابهامات گردیده است. طور مثال در ولایت بلخ جلسات کمیسیون به این دلیل متوقف شد که اعضای آن منتظر وضاحت بیشتر از کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن هستند. از جانب دیگر در ولایت فاریاب ریاست امور زنان از تفویض ریاست کمیسیون به مقام ولایت به دلیل امیدواری به بهتر شدن کارایی و بهبود وضعیت کمیسیون ولایتی، استقبال نمودند.

در بسیاری از کمیسیون‌های ولایتی اعضای آن قضایای انفرادی خشونت علیه زنان را رسیدگی می‌نمایند و همین طور به قربانیان خشونت علیه زنان مساعدت می‌کنند تا به خدمات تامین مصئونیت دست یابد و برای اتخاذ اقدامات قضایی علیه مرتکبین خشونت علیه زنان دادخواهی می‌کنند یا میانجیگری‌ها را سازمان می‌دهند. همچنان، آنها به اعضای خود مساعدت فراهم می‌نمایند تا فعالیت‌های آگاهی‌دهی انجام دهد. بعضاً سفارشات را به کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن برای چگونگی اصلاح قانون منع خشونت علیه زن ارسال داشته‌اند. عناصر اساسی در موفق بودن این کمیسیون‌ها معمولاً فعال بودن رئیس امور زنان و سهم‌گیری فعال نهادهای مدنی مجرب در فعالیت‌ها می‌باشد. این عناصر می‌تواند کمیسیون را قادر سازد تا در شرایط نهایت دشوار هم تغییر وارد نماید.

در ذیل نمونه‌ای از اجراآت چندین کمیسیون که مبین اجراآت خوب می‌باشد و ممکن برای سائر کمیسیون‌ها و حامیان مبارزه با خشونت علیه زن سودمند باشد ذکر می‌گردد:

نیمروز، حوزه جنوبی

- در نوامبر ۲۰۰۹ (میزان ۱۳۸۸) کمیسیون ولایتی منع خشونت علیه زن در ولایت نیمروز تاسیس گردید. کمیسیون متذکره منظمأ تحت رهبری ریاست امور زنان با حمایت والی، با اشتراک ۱۲ عضو رسمی و اشتراک نمایندگان‌های ملل متحد و چندین موسسه دولتی و غیر دولتی دیگر به طور غیر رسمی جلسات دایر می‌کند. کمیسیون از متن "شبکه عمل محافظت از زنان" که قبلاً وجود داشته و در رابطه به قضایا کار می‌کرد، بوجود آمد. این نهاد منحصیث یک شبکه‌ای از ادارات دولتی و

سازمان‌هایی که برای حقوق زنان و محافظت از آنها تلاش می‌نمایند، کار می‌کند. با وجود چنین کمیسیون قوی، ترس از بدنامی ارجاع قضایای خشونت علیه زنان را به محاکم مانع می‌شود. خائرنوالی و محاکم تا حال قانون منع خشونت علیه زن را در عمل مورد استفاد قرار نداده‌اند.

زمانیکه عضوی از کمیسیون، قضیه از خشونت علیه زن را دریافت می‌دارد، آنرا به کمیسیون ارجاع می‌دهد و کمیته فرعی آنرا با پولیس، خائرنوالی و محکمه و بعضی اوقات با خانواده‌های قربانی و مرتکبین پیگیری می‌نماید.

بدخشان، حوزه شمال شرق

- به تاریخ ۸ می ۲۰۱۰ کمیسیون ولایتی منع خشونت علیه زن در بدخشان تاسیس گردید که در حال حاضر توسط مقام ولایت ریاست می‌گردد و به طور ماهوار جلسات خویش را دایر می‌نماید. ریاست امور زنان نقش رهبری کننده را در بسیج و سازماندهی فعالیت‌ها بازی می‌نماید. این کمیسیون، مطالعات و ارزیابی‌هایی را راجع به خشونت علیه زنان راه اندازی کرده، معلوماتی در مورد قضایای انفرادی را از پولیس و خائرنوالی جمع آوری، برنامه‌های آگاهی دهی عامه را برای جلوگیری از خشونت علیه زنان برگزار، آمار خشونت علیه زنان را جمع آوری نموده و پیشنهاداتی را جهت اصلاح قانون منع خشونت علیه زن به کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن نیز ارائه نموده است.
- با موسسات ملی و بین المللی که برای محو خشونت علیه زنان کار می‌کند و با آنکه آنها در جلسات هم حاضر نمیباشد، هماهنگی می‌کند.
- دفاتر دولتی را در مورد تطبیق قانون منع خشونت علیه زن، مشوره می‌دهد.

بامیان، حوزه مرکزی

- کمیسیون ولایتی منع خشونت در بامیان در تاریخ ۴ اسد ۱۳۸۹ (۲۶ جولای ۲۰۱۰) تاسیس شد و در جریان ماه‌های اول توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر فعالانه رهبری می‌گردید و سپس تحت ریاست تنها والی زن افغانستان در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) تقویت گردید. جهت بازنگری قانون منع خشونت علیه زن، کمیسیون کمیته-ای را تشکیل دادند که بر اساس کار این کمیته، کمیسیون متذکره مکتوبی را به کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن همراه با سفارشات راجع به اصلاح و تعدیل مواد ۳۳ و ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن ارسال نمود. سیمینارهایی را برای دفاتر دولتی و جامعه مدنی، با حمایت مالی دفتر والی به هدف ارتقای ظرفیت راه اندازی نموده است. تقریباً ۱۵۰ نفر از علما، روحانیون، روشنفکران و سران قومی بتاريخ ۴

عقرب ۱۳۹۰ (۲۶ اکتوبر ۲۰۱۰) در جلسه نخستین آن که در مورد حقوق زن از دیدگاه اسلام راه اندازی شده بود، اشتراک نمودند.

هیئت بلند رتبه‌ای (بشمول رئیس خارنوالی، پولیس، نمایندگان شورای ولایتی) را برای تحقیق یک قضیه قتل ناموسی به یکی از والسوالی‌های آن ولایت گسیل داشت. بطور منظم از شورای ولایتی، دانشگاه بامیان، شبکه حقوق بشر و جامعه مدنی، مسئول خانه امن و همکاران بین المللی برای اشتراک در جلسات، دعوت می‌نماید.

فاریاب، حوزه شمال

کمیسیون ولایتی که در فاریاب در ماه جون سال ۲۰۱۰ ایجاد گردیده، در جریان سال ۱۳۸۹ (مارچ ۲۰۱۰ الی مارچ ۲۰۱۱) جمعاً ۹ نشست را دایر نموده است. در طول سال آنان به ۳۵ قضیه رسیدگی نموده که بخش زیادی از این قضایا را از طریق میانجگری حل و متباقی آنرا به مراجع قضایی ارجاع نموده است.

فعالیت‌های آگاهی‌دهی توسط اعضاء آن کمیسیون بشمول ریاست‌های حج و اوقاف راه اندازی و حمایت گردیده و به مساجد وظیفه داده شده بود که در خطبه‌های روز جمعه در مورد حقوق زنان و مردان در دین اسلام صحبت نمایند. نیز به ریاست‌های معارف هدایت داده شده تا در مورد ازدواج‌های قبل از وقت و حق تحصیل دختران نیز صحبت نمایند.

۵. نتیجه گیری

یوناما/دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر تعهدات دولت افغانستان را در قبال محو خشونت علیه زنان که در وضع قانون منع خشونت علیه زن، تلاش برای تطبیق آن و تأسیس کمیسیون‌ها برای منع خشونت علیه زنان توسط دولت، تبارز نموده؛ می‌ستاید. یافته‌های گزارش یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر نشان می‌دهد که با وجود اندک بودن فیصدی رسیدگی قضایای خشونت علیه زنان بر اساس قانون منع خشونت علیه زن، دسترسی زنان به عدالت به خاطر استفاده روز افزون ارگانه‌های عدلی و قضایی از قانون مذکور، رو به افزایش است؛ و به دلیل آگاهی فزاینده از موجودیت قانون منع خشونت علیه زن و ارائه کمک توسط واحد پاسخ‌دهی به خشونت‌های فامیلی، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و خانه‌های امن؛ زنان تشویق شده‌اند که برای دریافت کمک‌ها و حمایت‌ها قدم جلو گذاشته و درخواست مساعدت نمایند.

ضرورت ایجاد خانه‌های امن در همه مناطق افغانستان کماکان شدید است. افزایش تعقیب عدلی موفقانه مرتکبین خشونت علیه زنان بر اساس قانون منع خشونت علیه زن، قسماً وابسته به توانایی زنان قربانی برای دست رسی به مراکز امن موقت و حمایت‌های حقوقی می‌باشد. در بعضی از مناطق این خانه‌های امن وجود ندارد.

تنفیذ اولین مقررہ مراکز حمایتی برای زنان، که به تاریخ ۵ سپتمبر ۲۰۱۱ (۱۴ سنبله ۱۳۹۰) توسط شوران وزیران تصویب شد، می‌تواند ایجاد خانه‌های امن جدید را در مناطقی که ضرورت می‌باشد تشویق و خانه‌های امن موجوده را از طریق نظارت موثر دولت تقویت نماید. در شماری از ولایات، کمیسیون‌های ولایتی منع خشونت علیه زن با وجود ضرورت بیشتر به حمایت‌های به مراتب بیشتر، وظایف‌شان را آغاز نموده است تا هماهنگی میان نهادهای دولتی و غیر دولتی را به منظور جلوگیری از خشونت علیه زنان بوجود آورد. در سایر نقاط کشور این کمیسیون‌ها یا غیر فعال هستند و یا در حالت ایجاد شدن می‌باشند.

یوناما/دفتر کمیشنری عالی متحد برای حقوق بشر امیدوار است تا این گزارش که مبتنی بر پشرفتهایی در جهت محو خشونت علیه زنان میباشد، برای دولت افغانستان ممد واقع شود. این گزارش توصیه‌های ذیل را به حکومت افغانستان، تمویل کنندگان بین المللی و افغان‌ها ارایه می‌دارد تا آنها بتوانند تطبیق هر چه بیشتر قانون منع خشونت علیه زن را توسعه بخشیده و زنان را در برابر انواع خشونت حمایت نمایند.

۶. پیشنهادات

به وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن

- برای کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن، بشمول اعضای تشکیل دهنده آنان رهنمود و لایحه کاری را طرح نموده و طرز العمل های را تدوین نماید تا بوسیله آن بتوانند قضایای خشونت علیه زنان را ثبت و پیگیری کنند.
- کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زنان را یاری رسانند تا آنان پلان کاری شان را ترتیب کرده و مهارت های لازم را برای اجرای مسولیت های شان کسب نمایند.
- از جامعه مدنی بشمول نمایندگان نهاد های غیر دولتی فعال در عرصه ای حقوق زنان، مسئولین خانه های امن و همکاران بین المللی دعوت نماید تا آنها در نشست های کمیسیون عالی بطور ناظر به منظور ارائه گزارش راجع به موضوعات مشخص و حمایت فعالانه از کارهای کمیسیون، اشتراک نمایند.
- اطمینان حاصل نماید که کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن دارای یک دارالانشای فعال بوده تا کمیسیون قادر گردد که بگونه موثری تضامیم و نکات عمل را پیگیری نماید.
- یک کمیته فرعی رامختص به تضمین این امر که قربانیان خشونت علیه زن از طریق دریافت خدمات، محافظت و مساعدت های حقوقی حمایت میگردد، بر اساس حکم ماده ۱۶ قانون منع خشونت علیه زن، ایجاد نماید.
- گفتگو پیرامون تدوین یک رهنمود درباره بکارگیری میانجیگری را که بتواند مورد استفاده سارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان و ریاست های حقوق قرار گیرد، راه اندازی نماید.

به حکومت افغانستان

- به والیان هدایت صادر نماید و آنان را متوجه مسولیت های شان در قبال به عهده گرفتن مسولیت رهبری کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن، بسازد چنانچه این امر در رهنمود کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن تصریح گردیده است.
- اطمینان حاصل نماید که مقامات دولتی بشمول پولیس و خارنوالی ها، که این گونه واقعات را به میکانیزم های عرفی حل منازعه ارجاع می کنند، فیصله های آنها را بمنظور هماهنگی با قوانین افغانستان و تعهدات های حقوق بشری دولت افغانستان، بازنگری کنند.

به وزارت عدلیه

- همراه با کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن و مرکز ملی آموزش حقوقی، برای کارمندان ارگانهای عدلی و قضایی دوره های آموزشی را در مورد قانون منع خشونت علیه زن برگزار نماید. قضات و خگارنوالان را که این قانون را موفقانه تطبیق کرده اند در آموزش دیگران دخیل سازند.
- اطمینان حاصل نماید که هر قانونی که رابطه میان سیستم عدالت رسمی و میکانیزم های عرفی برای حل منازعه (جرگه ها و یا شورا ها) را تعریف و تعیین می کند، مطابقت این میکانیزمها را با قوانین داخلی بشمول قانون منع خشونت علیه زن بهبود بخشیده و آنها را از رسیدگی به جرایم خشونت بار و شدید منع بدارد.

به ستره محکمه

- برای محاکم در مورد احکام قانون منع خشونت علیه زن هدایات و توضیحات لازم را بشمول تطبیق حتمی آن در ارتباط با سایر قوانین افغانستان صادر نماید.
- به دیوان جزا عمومی و ریاست تفتیش هدایت دهد تا تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زن در مورد قضایای خشونت علیه زنان توسط محاکم را نظارت کنند.
- در سرتاسر کشور در چوکات محاکم فامیلی ویا محاکم شهری، ایجاد دیوان های اختصاصی رسیدگی برای جرایم خشونت علیه زنان را در نظر بگیرد. قضات موظف در این دیوان ها مهارت های مقتضی را انکشاف داده و دیوان جزایی عمومی را در رسیدگی به انبوه از دعاوی تعداد کثیر از مراجعین یاری میرساند. ۱۱۵

به لوی خرنوالی

- به تمام خگارنوالان هدایت داده و روشن سازد که کدام نوع قضایا باید تعقیب جزایی گردد و کدام موارد را میتوان به میانجگری راجع کرد. اطمینان حاصل نماید که تمام جرایم شدید خشونت علیه زنان مورد پیگرد قانونی قرار گیرد.
- به خرنوالی اختصاصی مبارزه باخشونت علیه زنان در کابل تفویض صلاحیت نماید تا تمام قضایای خشونت علیه زن را که به ستره محکمه ارجاع میگردد، نظارت و پیگیری نماید. این تفویض صلاحیت میتواند در تشکیل سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲) لحاظ گردد.

^{۱۱۵} فقره ۲ ماده ۵۰ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۱۳۸۴ ملاحظه گردد. ".....ستره محکمه می تواند عند الضرورت دیوان های دیگری را در چوکات محاکم ابتدائیه مراکز ولایات بعد از منظوری رئیس جمهور ایجاد نماید"

- خاړنوالی اختصاصی مبارزه باخشونت علیه زنان در کابل را ارزیابی نماید تا معلوم گردد که چرا از مجموع دوسیه های ثبت شده تعداد اندکی آن مورد پیگرد قانونی قرار گرفته و چطور می توان کار های این اداره را بهبود بخشید.
- اطمینان حاصل نماید که ریاست خاړنوالی جزای عمومی و سایر ریاست های مربوطه لوی خاړنوالی از نحوه تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خکارنوالی ها، نظارت به عمل می آورد.
- به ایجاد و حمایت از کمیسیون ها و یا واحد های که مختص برای تعقیب عدلی موارد خشونت علیه زنان می باشد در دفاتر خاړنوالی ولایتی، ادامه دهد.

به وزارت امور داخله

- معرفی قانون منع خشونت علیه زن و تطبیق آن باید بحيث بخشی از آموزش های ابتدایی برای پولیس ملی شامل مواد آموزش گردد
- برای ریاست عمومی تحقیقات جنایی پولیس، بشمول واحد حل منازعات فامیلی، رهنمود های را آماده سازد که در آن انواع تخلف های که باید تحقیق و تعقیب عدلی گردد و آن مواردیکه میتواند توسط پولیس به میانجگری محول شود واضح و روشن سازد، و اطمینان حاصل کند که قضیه های که توسط پولیس به میانجگری محول شده و یا توسط خود این واحد میانجگری میگردد، بشکل درست ثبت و بطور رسمی مستند ساخته شود.
- برای تمام کارکنان پولیس که در واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی ایفای وظیفه می کنند آموزش های خاصی را در مورد قانون منع خشونت علیه زن دایر نماید.
- اطمینان حاصل نماید که تمام زنانیکه برای دریافت کمک به پولیس مراجعه میکنند، بتواند به طور بلا واسطه و فوری با واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی مشوره کنند.
- اطمینان حاصل نماید که واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی بخشی از ریاست عمومی تحقیقات جنایی بوده و کارکنان این بخش از مزایای آموزش ها در مورد شیوه های تحقیق و تفتیش مستفید گردد و همچنان قادر باشند که بطور کامل در تحقیق جنایت های که در آن خشونت های فامیلی، تجاوز جنسی و یا سایر انواع خشونت علیه زنان شامل است، سهم بگیرند.
- اطمینان حاصل نماید که کارکنان پولیس زن به وظایف مسلکی توظیف گردیده و به آنان نیز فرصت مساوی ارتقاء و ترفیع داده شود.
- یک تعهد نامه معیاری را انکشاف دهد تا در تمام قضیه های خشونت علیه زنان که توسط میانجگری حل میگردد، مورد استفاده قرار بگیرد. در این تعهد نامه باید نوع تخلف، تصمیم

گرفته شده، امضای مرتکب و قربانی (با ذکر آدرس و شماره های تلفون شان) و همچنان شاهدان و یک نماینده دولتی درج باشد.

به وزارت مالیه

- برای وزارت های امور زنان، حج و اوقاف، عدلیه، صحت عامه، فرهنگ و اطلاعات، معارف و تحصیلات عالی منابع و حمایت کافی را آماده سازد تا آنان بتوانند مطابق قانون منع خشونت علیه زن مسولیت های شانرا ایفاء نمایند.
- اطمینان حاصل کند که کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن و کمیسیون های ولایتی آن که مطابق قانون منع خشونت علیه زن مامور گردیده اند، بطور کافی تمویل می شوند.

به تمویل کنندگان بین المللی:

- برنامه مساعدت تخنیکی برای کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن راطرح نمایند.
- در حمایت های شان از ابتکارات دولتی به منظور تطبیق قانون منع خشونت علیه زن بشمول کمپاین های آگاهی عامه در سراسر کشور و همچنان مساعدت و آموزش کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن، افزایش به عمل آورد.
- از تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (۱۳۸۷-۱۳۹۷) به ویژه طرح و اجرای استراتژی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط حکومت حمایت به عمل آورند. به همین شکل از برنامه اولویت ملی "قانون و عدالت برای همه" و برنامه اولویت ملی "ظرفیت سازی جهت تسریع تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان" حمایت نمایند.
- برنامه ها برای ارایه خدمات تخنیکی و حمایت از دفاتر خرنوالی و محاکم در ولایات، اخصاً با هدف تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را توسعه دهند.
- حمایت از مراکز حمایوی زنان را که برای زنان قربانی خشونت پناه گاه آماده می سازند افزایش دهد و همچنین درحمایت شان از واحد ها و کمیسیون های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در دفاتر خرنوالی که موارد خشونت علیه زنان را تحت تعقیب عدلی قرار می دهند افزایش به عمل آورد.

قانون منع خشونت علیه زن

فصل اول احکام عمومی مبنی:

ماده اول:

این قانون در روشنی احکام مواد بیست و چهارم و پنجاه و چهارم قانون اساسی افغانستان وضع گردیده است.

اهداف:

ماده دوم:

اهداف این قانون عبارت اند از:

- ۱- تأمین حقوق شرعی و قانونی و حفظ کرامت انسانی زن.
- ۲- حفظ سلامت خانواده و مبارزه علیه رسوم، عرف و عادات مغایر احکام دین مقدس اسلام مسبب خشونت علیه زن.
- ۳- حمایت مجنی علیهای خشونت ((زن متضرر)) یا معروض به خشونت.
- ۴- جلوگیری از خشونت علیه زن.
- ۵- تأمین آگاهی و آموزش عامه در مورد خشونت علیه زن.
- ۶- تعقیب عدلی مرتکب جرم خشونت علیه زن.

اصطلاحات

ماده سوم:

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را فاده می نماید:

- ۱- زن: عبارت از اناث بالغ و نا بالغ می باشد.
- ۲- خشونت: ارتکاب اعمال مندرج ماده پنجم این قانون است که موجب صدمه به شخصیت، جسم، مال یا روان زن می گردد.
- ۳- تجاوز جنسی: ارتکاب فعل زنا یا لواط با زن بالغ توأم با اجبار و اکراه یا ارتکاب آن با زن نا بالغ و یا تجاوز بر عفت و ناموس زن است.
- ۴- بد دادن: به شوهر دادن زن است در بدل دیت یا صلح به ارتباط قتل، تجاوز جنسی یا سایر احوال به پیروی از رسوم، عرف و عادات ناپسند.

- ۵- تحقیر: ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ است که موجب اهانت (کوچک ساختن) شخصیت زن گردد.
- ۶- تخویف: ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ است که موجب ایجاد رعب و ترس زن گردد.
- ۷- آزار و اذیت: ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ یا به هر وسیله یا به هر نحوی است که موجب صدمه به شخصیت، جسم و روان زن گردد.
- ۸- انزوای اجباری: ممانعت از دید و بازدید زن با محارم شرعی می باشد.
- ۹- تدابیر وقایعی: اقدامات عملی است که به منظور امحای عوامل خشونت و جلوگیری از وقوع اتخاذ می گردد.
- ۱۰- تدابیر حمایتی: اقدامات عملی است که به منظور حمایت از مجنی علیها (متضرر خشونت) اتخاذ می گردد.

منع خشونت

ماده چهارم:

خشونت جرم بوده، هیچ کس حق ندارد در محل سکونت، اداره دولتی یا غیر دولتی، مؤسسات، محلات عامه، وسایط نقلیه یا سایر محلات، مرتکب آن گردد، در صورت ارتکاب مطابق احکام این قانون مجازات می گردد.

موارد خشونت

ماده پنجم:

ارتکاب اعمال ذیل علیه زن، خشونت شناخته میشود:

- ۱- تجاوز جنسی.
- ۲- مجبور نمودن به فحشاء
- ۳- ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحویکه به شخصیت وی صدمه برساند.
- ۴- آتش زدن یا استعمال مواد کیمیایی، زهری و یا سایر مواد ضررناک.
- ۵- مجبور نمودن به خود سوزی یا خود کشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک.
- ۶- مجروح یا معلول نمودن.
- ۷- لت و کوب.
- ۸- خرید و فروش به منظور یا بهانه ازدواج.
- ۹- بد دادن.
- ۱۰- نکاح اجباری.
- ۱۱- ممانعت از حق ازدواج و یا حق انتخاب زوج.

- ۱۲- نکاح قبل از اكمال سن قانونی.
- ۱۳- دشنام، تحقیر و تخویف.
- ۱۴- آزار و اذیت.
- ۱۵- انزوای اجباری.
- ۱۶- اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر.
- ۱۷- منع تصرف در ارث.
- ۱۸- منع تصرف اموال شخصی.
- ۱۹- ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی.
- ۲۰- کار اجباری.
- ۲۱- ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده (۸۶) قانون مدنی.
- ۲۲- نفی قرابت.

حقوق مجنی علیها

ماده ششم:

مجنی علیهای خشونت دارای حقوق ذیل می باشد:

- ۱- تعقیب عدلی مرتکب خشونت مطابق احکام قانون.
- ۲- دسترسی به مرکز حمایتی یا خانه امن یا سایر محصولات مصون به موافقه وی.
- ۳- دسترسی به خدمات صحی عاجل طور رایگان.
- ۴- داشتن وکیل مدافع یا مساعد حقوقی.
- ۵- جبران خساره ناشی از عمل جرمی.
- ۶- محرمیت موضوع نسبتی.
- ۷- سایر حقوق که در اسناد تقنینی پیشینی گردیده است.

مراجعه به ادارات

ماده هفتم:

- ۱- مجنی علیهای خشونت، خود یا اقارب وی می توانند به ادارات پولیس و حقوق، محاکم یا سایر مراجع ذیربط طور کتبی شکایت نمایند.
- ۲- ادارات مندرج فقره (۱) این ماده مکلف اند، شکایت واصله را ثبت و مطابق احکام قانون آنرا رسیدگی نموده و وزارت امور زنان را طور کتبی مطلع سازند.
- ۳- وزارت امور زنان مکلف است بعد از کسب اطلاع کتبی یا شکایت مستقیم مجنی علیهای خشونت یا اقاربش جهت تأمین ارتباط با مجنی علیهای خشونت تدابیر لازم را اتخاذ و عملی نماید.

۴- خارتوالی و محکمه مکلف اند، قضیه خشونت را در اولویت قرار داده و به اسرع وقت رسیدگی نمایند.

۵- مسؤولین مراجع مندرج فقره (۱) این ماده مکلف اند، حین رسیدگی شکایت واصله، طرزالعمل سلوک خاص را که بدین منظور از طرف کمیسیون منع خشونت وضع میشود، رعایت نمایند.

فصل دوم تدابیر وقایوی و حمایتوی

مکلفیت وزارت امور زنان

ماده هشتم:

وزارت امور زنان مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت علیه زنان به همکاری سایر وزارت ها و ادارات دولتی و غیر دولتی و مؤسسات ذیربط، تدابیر وقایوی و حمایتوی ذیل را اتخاذ نماید:

۱- انسجام فعالیت های ادارات دولتی و غیردولتی و مؤسسات عرضه کننده خدمات در عرصه جلوگیری از خشونت و تأمین هماهنگی میان آنها.

۲- بلند بردن سطح آگاهی مرد و زن از حقوق و وجایب شرعی و قانونی آنها.

۳- فراهم نمودن زمینه حفاظت و نگهداری مجنی علیهای خشونت یا معروض به آن در مرکز حمایتوی و یا در صورت عدم موجودیت در سایر محلات مصون مربوط، نظارت و واریسی از آن.

۴- تدویر سیمینار ها، ورکشاپ ها، کنفرانسها و سایر برنامه های آموزشی جهت بلند بردن سطح آگاهی عامه و شناسایی موارد خشونت و عواقب ناشی از آن برای کارکنان ادارات دولتی و غیر دولتی، مؤسسات، ساکنین محلات و روستاها و دریافت راه حل ها.

۵- توضیح و تشریح عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن مستند به احکام شرع و قانون از طریق نشرات مربوط.

۶- حصول اطمینان از تطبیق برنامه های آموزشی و ظرفیت کاری ادارات غیر دولتی و مؤسسات ذیربط.

مکلفیت وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ماده نهم:

وزارت ارشاد، حج و اوقاف مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت، تدابیر وقایوی ذیل را اتخاذ نماید:

۱- ترتیب برنامه های منظم جهت ايراد موعظه ها و خطابه ها در رابطه به حقوق و وجايب شرعى مردان و زنان و اجراى آن توسط ملا امامان، خطباء و واعظان مساجد و تكايا (حسينيه ها) و حصول اطمینان از تطبيق آن.

۲- تدوير سيمينارها، وركشاپ ها و كنفرانس ها براى ملا امامان، خطباء و واعظان.

۳- توضيح و تشریح عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن مستند به احكام شرع و قانون از طريق نشرات مربوط.

مكلفیت وزارت های معارف و تحصیلات عالی

ماده دهم:

وزارت های معارف و تحصیلات عالی مکلف اند، به منظور جلوگیری از خشونت تدابیر و قایوی ذیل را اتخاذ نمایند:

۱- گنجائیدن موضوعات مربوط به خشونت و عواقب ناشی از آن چگونگی جلوگیری از خشونت در نصاب درسی و تحصیلی مربوط.

۲- تدوير سيمينارها، وركشاپ ها و كنفرانس ها براى كاركنان، متعلمين و محصلين مربوط.

۳- اتخاذ تدابیر لازم به منظور جلوگیری از وقوع خشونت در محیط تعلیمی و تحصیلی مربوط.

۴- توضیح و تشریح عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن مستند به احكام شرع و قانون از طريق نشرات مربوط.

مكلفیت وزارت اطلاعات و فرهنگ

ماده یازدهم:

وزارت اطلاعات و فرهنگ مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت تدابیر و قایوی ذیل را اتخاذ نماید:

۱- تنظيم و نشر برنامه های رادیویی و تلویزیونی در مورد عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن و نشر مطالب مربوط در روزنامه ها، اخبار و جراید.

۲- فراهم نمودن زمینه برای وزارت ها و ادارات دولتی و سایر اشخاص حقیقی یا حکمی جهت پخش و نشر مطالب مربوط به منع خشونت از طریق رسانه های تحت اثر.

۳- جلوگیری از نشر و پخش برنامه های ترویج کننده خشونت از طریق رسانه های همگانی.

مكلفیت وزارت عدلیه

ماده دوازدهم:

وزارت عدلیه مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت تدابیر و قایوی و حمایتی ذیل را اتخاذ نماید:

- ۱- بلند بردن سطح آگاهی زن و مرد از حقوق و وجایب شرعی و قانونی آنها.
- ۲- فراهم نمودن زمینه توضیح و تشریح مطالب مربوط به عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن برای مردان و زنان تحت توقیف، حجز و حبس از طریق مسئولین مربوط و سایر سازمانهای اجتماعی ذیربط.
- ۳- تدویر سیمینارها و ورکشاپها جهت آگاهی کارکنان ادارات حقوق و مساعدت های حقوقی از احکام این قانون و فراهم نمودن زمینه تطبیق بهتر آن.
- ۴- توظیف مساعد حقوقی در صورت تقاضای مجنی علیهای خشونت.

مکلفیت وزارت امور داخله

ماده سیزدهم:

وزارت امور داخله مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت در تمام محلات عامه تدابیر و قایوی و حمایتی را اتخاذ و عملی نماید.

مکلفیت وزارت صحت عامه

ماده چهاردهم:

وزارت صحت عامه مکلف است به منظور معالجه و تداوی عاجل و رایگان مجنی علیهای خشونت در مراکز صحتی مربوط، تدابیر مؤثر و عملی را اتخاذ و از چگونگی آن به وزارت امور زنان گزارش دهد.

کمیسیون عالی منع خشونت

ماده پانزدهم:

به منظور مبارزه مؤثر علیه جرایم خشونت و تأمین هماهنگی میان ادارات دولتی و غیر دولتی و مؤسسات ذیربط در زمینه، کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن تحت ریاست وزیر امور زنان به ترکیب ذیل ایجاد می گردد:

- ۱- مرستیال لوی خانونالی.
- ۲- معین وزارت امور داخله.
- ۳- معین وزارت عدلیه.
- ۴- معین وزارت صحت عامه.
- ۵- معین وزارت اطلاعات و فرهنگ.
- ۶- معین وزارت معارف.
- ۷- معین وزارت تحصیلات عالی.
- ۸- معین وزارت کار و امور اجتماعی، شهداء و معلولین.

- ۹- معین وزارت ارشاد، حج و اوقاف.
- ۱۰- عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
- ۱۱- رئیس محکمه اختصاصی فامیلی ولایت کابل.
- ۱۲- رئیس انجمن مستقل وکلای مدافع.

وظایف و صلاحیت های کمیسیون

ماده شانزدهم:

- ۱) کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد.
- ۱- مطالعه و ارزیابی عوامل ارتکاب خشونت در کشور و اتخاذ تدابیر وقایوی جهت رفع آن.
- ۲- طرح پروگرام های تبلیغاتی و آگاهی عامه به منظور جلوگیری از ارتکاب خشونت.
- ۳- تأمین هماهنگی فعالیت های ادارات دولتی و غیر دولتی ذیربط در امر مبارزه علیه خشونت.
- ۴- جمع آوری احصائیه و ارقام جرایم خشونت.
- ۵- ارائه پیشنهاد مبنی بر تعدیل احکام این قانون.
- ۶- پیشنهاد مقرر و وضع لوایح و طرز العمل های مربوط به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون.
- ۷- مطالعه معلومات در مورد قضایای خشونت از پولیسی خارنوالی و محکمه.
- ۸- ترتیب گزارش سالانه اجراءات در مورد خشونت و ارائه آن به شورای وزیران.
- ۹- سایر وظایفی که از طرف حکومت محول می شود.
- ۲) طرز فعالیت کمیسیون توسط لایحه ای که از طرف کمیسیون تصویب می شود، تنظیم می گردد.

فصل سوم احکام جزائی

تجاوز جنسی

ماده هفدهم:

- ۱- شخصی که مرتکب تجاوز جنسی بر زن بالغ گردد، با نظر داشت حکم مندرج ماده (۴۲۶) قانون جزاء به حبس دوام و در صورت فوت مجنی علیها به اعدام محکوم می گردد.
- ۲- شخصی که مرتکب تجاوز جنسی بر زن نا بالغ گردد، با نظر داشت حکم مندرج ماده (۴۲۶) قانون جزاء به حد اکثر حبس دوام و در صورت فوت مجنی علیها به اعدام محکوم می گردد.
- ۳- در حالات مندرج فقره های (۱ و ۲) این ماده مرتکب به پرداخت وجه معادل مهر مثل به حیث جبران خساره به مجنی علیها نیز محکوم می گردد.
- ۴- شخصی که مرتکب تجاوز به عفت و ناموس زن گردد، ولی تجاوز وی منجر به فعل زنا یا لواط نگردد (تفخیزد، مساحقه یا امثال آنرا مرتکب گردد)، حسب احوال به حبس طویل که از هفت سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

۵- هرگاه مجنی علیهای جرم مندرج فقره (۴) این ماده به سن (۱۸) سالگی نرسیده یا مرتکب جرم، اقارب تا درجه سوم، مربی، معلم، مستخدم یا طبیب مجنی علیها بوده و یا به نحوی بالای مجنی علیهای نفوذ و اختیار داشته باشد، فاعل حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

مجبور نمودن به فحشاء

ماده هجدهم:

۱- شخصی که زن بالغ را مجبور به فحشاء نماید، حسب احوال به حبس طویل که از هفت سال کمتر نباشد، محکوم می گردد.

۲- هرگاه مجنی علیهای جرم مندرج فقره (۱) این ماده زن نابالغ باشد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد، محکوم می گردد.

ظبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن

ماده نوزدهم:

شخصی که هویت مجنی علیهای جرایم تجاوز جنسی و اجبار به فحشا را ضبط و ثبت یا بدون حکم قانون افشاء و یا تصاویر آنرا نشر نماید، به نحویکه به شخصیت وی صدمه برساند، حسب احوال به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد، محکوم می گردد.

آتش زدن یا استعمال مواد کیمیای

ماده بیستم:

۱- شخصی که زن را آتش بزند یا بر بدن وی مواد کیمیای یا زهری و یا سایر مواد ضررناک را که موجب جراحت یا معلولیت گردد، استعمال نماید یا مواد زهری را به وی بخوراند و یا در بدن وی زرق نماید، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد، محکوم می گردد.

۲- در حالت مندرج فقره (۱) این ماده هرگاه هدف از ارتکاب امال مذکور ایجاد رعب و وحشت در جامعه به منظور حرمان زنان از حقوق مدنی باشد و یا منجر به مرگ مجنی علیها گردد مرتکب حسب احوال به حبس دوام یا اعدام محکوم می گردد.

خود سوزی و خود کشی

ماده بیست و یکم:

هرگاه زن به اثر خشونت مجبور به خودسوزی یا خود کشی و یا استعمال مواد کیمیای یا زهری و یا سایر مواد ضررناک به خود گردد، عامل خشونت در صورت مجروحیت و معلولیت مجنی علیها به حبس متوسط و در صورت مرگ مجنی علیها، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

جراحت و معلولیت

ماده بیست و دوم:

- ۱- شخصی که زن را مورد ضرب و جرح قرار دهد، حسب احوال و با نظر داشت شدت و خفت جرم مطابق احکام مندرج مواد (۴۰۷ الی ۴۱۰) قانون جزا مجازات می گردد.
- ۲- هرگاه اعمال مندرج فقره (۱) این ماده منجر به مرگ مجنی علیها گردد، مرتکب حسب احوال به جزای پیشینی شده مندرج مواد (۳۹۵ الی ۳۹۹) قانون جزاء محکوم می گردد.

لت و کوب

ماده بیست و سوم:

- شخصی که زن را مورد لت و کوب قرار دهد ولی منجر به جراحت یا معلولیت وی نگردد، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

خرید و فروش زن به منظور یا بهانه ازدواج

ماده بیست و چهارم:

- شخصی که زن را به منظور یا بهانه ازدواج به فروش رساند یا خریداری یا در آنها وساطت نماید، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

بد دادن

ماده بیست و پنجم:

- ۱- شخصی که زن را به نام بد دادن به نکاح بدهد یا بگیرد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.
- ۲- در حالت مندرج فقره (۱) این ماده اشخاص ذیدخل (شاهد، وکیل، مصلح، و عاقد)، هر یک حسب احوال به حبس متوسط، محکوم و عقد نکاح در صورت مطالبه زن بد داده شده مطابق احکام قانون فسخ می گردد.

نکاح اجباری

ماده بیست و ششم:

- هرگاه شخصی، زنی را که سن قانونی ازدواج را تکمیل نموده بدون رضایت وی نامزد یا به عقد نکاح درآورد، حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم، نامزدی و نکاح مطابق احکام قانون فسخ می گردد.

ممانعت از حق ازدواج

ماده بیست هفتم:

هرگاه شخص مانع ازدواج زن گردد یا حق انتخاب زوج را از وی سلب نماید، حسب احوال به حبس قصیر محکوم میگردد.

نکاح قبل از اكمال سن قانونی

ماده بیست و هشتم:

هرگاه حق زن را که سن قانونی ازدواج را تکمیل نه نموده و بدون رعایت حکم مندرج ماده (۷۱) قانون مدنی به عقد نکاح درآورد، حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد، محکوم و نکاح در صورت مطالبه زن، مطابق احکام قانون فسخ می گردد.

دشنام، تحقیر یا تخویف

ماده بیست و نهم:

شخصی که زن را دشنام دهد یا تحقیر و یا تخویف نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد، محکوم می گردد.

آزار و اذیت

ماده سی ام:

- ۱- شخصی که مرتکب آزار و اذیت زن گردد، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد، محکوم می گردد.
- ۲- هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده با استفاده از موقف و مقام ارتکاب یابد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه کمتر نباشد، محکوم میگردد.

انزوای اجباری

ماده سی و یکم:

شخصی که زن را به انزوا مجبور نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر

ماده سی و دوم:

شخصی که زن را مجبور به اعتیاد به مواد مخدر نماید، به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

منع تصرف در ارث

ماده سی و سوم:

شخصی که مانع تصرف زن در متروکه مورث وی گردد، بر علاوه واگذاری سهم شرعی وی، حسب احوال به حبس قصیر که از یک ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

منع تصرف در اموال

ماده سی و چهارم:

شخصی که اموال شخصی زن را تصرف یا او را از تصرف در آن منع نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد، محکوم و مال به تصرف زن گذاشته می شود.

ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی

ماده سی و پنجم:

شخصی که زن را از حق تعلیم، تحصیل، کار، دسترسی به خدمات صحی یا استفاده از سایر حقوق مندرج قوانین مانع گردد، احوال به حبس قصیر که از شش ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

کار اجباری

ماده سی و ششم:

شخصی که زن را به کار اجباری وادار نماید، علاوه بر جبران خساره، حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

ازدواج با پیش از یک زن

ماده سی و هفتم:

شخصی که بدون رعایت احکام مندرج مواد (۸۶ و ۸۹) قانون مدنی با پیش از یک زن ازدواج نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد، محکوم می گردد.

نفی قرابت

ماده سی و هشتم:

شخصی که از قرابت زن به مقصد محروم ساختن از حق میراث یا اتلاف سایر حقوق شرعی و قانونی و یا انکار، ولی قرابت وی به حکم محکمه ثابت گردد، حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

تعقیب عدلی

ماده سی و نهم:

۱- رسیدگی به دعاوی مربوط و تعقیب عدلی مرتکبین جرایم مندرج مواد (۲۲ الی ۳۹) این قانون به اساس شکایت مجنی علیها یا وکیل وی صورت می گیرد.

۲- مجنی علیها می تواند در موارد مندرج فقره (۱) این ماده در هر مرحله از تعقیب عدلی (کشف تحقیق، محاکمه یا محکومیت) از شکایت خویش منصرف گردد) در این صورت رسیدگی به دعوی تطبیق جزاء متوقف می گردد.

اشتراک در جرم

ماده چهلم:

شخصی که در ارتکاب جرایم مندرج این فصل با شخصی دیگری اشتراک نماید، حسب احوال مطابق احکام مندرج مواد (۳۹ و ۴۱ الی ۴۸) قانون جزاء مجازات می گردد.

جبران خساره

ماده چهلم و یکم:

مرتکبین جرایم مندرج این قانون بر علاوه جزاهای پیشبینی شده، حسب احوال به جبران خساره وارده نیز محکوم می گردند.

فصل چهارم احکام نهائی

عدم تعلیق، عفو و تخفیف مجازات

ماده چهل و دوم:

مجازات محکومین جرایم خشونت تعلیق، عفو یا تخفیف شده نمی تواند.

ارجحیت

ماده چهل و سوم:

هرگاه حکم این قانون با حکمی از احکام سایر قوانین نافذه در مغایرت واقع گردد، حکم این قانون مرجح دانسته می شود.

انفاذ

ماده چهل و چهارم:

این قانون از تاریخ نشر در جریده رسمی نافذ می گردد.